



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
دفتر انتشارات کمک آموزشی

یادداشت سردبیر ۲: با مدیران و مسئولان فرادست خود گفت‌وگو کنید/ مرتضی مجدفر

گفت‌وگو ۴: پزشک مدرسه! اصغر ندیری

دانش آموز، خانواده و تفکر پژوهشی ۶: نمونه تکلیف‌های پژوهشی بدون خانواده/ لیلا سلیقه‌دار

عکس و داستان ۹: نیما/ اعظم لاریجانی

آموزش ۱۰: بازخورد، جان ارزش‌یابی کیفی - توصیفی/ بهمن قره‌داغی

محیط‌زیست برای آموزگاران ۱۴: طرح درسی ساده برای آموزش محیط‌زیست/ زری آقاجانی

چه خبر ۱۶: چه کسی روان‌تر می‌خواند؟/ فاطمه خرقانیان

خاطرات خواندنی ۳۳: مهمان امام حسین (ع)/ محمدباقر نوریان لالایی

کتاب‌خانه‌ی مدرسه ۳۴: گام به گام با بچه‌ها/ نورمحمد خادمی‌فر

آموزش ۳۶: نمایش، مصاحبه و روزنگار یادگیری/ دکتر محرم آقازاده

میراث ما ۳۸: همه‌چیز رنگ و بوی امام رضا (ع) را دارد/ حمید دهقان

مدیر مسئول: محمد ناصری

سردبیر: مرتضی مجدفر

شورای برنامه‌ریزی:

شکوه تقدسیان

فاطمه رضانی

لیلا سلیقه‌دار

یدالله رهبری نژاد

ابراهیم اصلانی

مدیر داخلی: اصغر ندیری

طراح گرافیک: فریبا بندی

نشانی دفتر مجله:

تهران، ایرانشهر شمالی، پلاک ۲۶۶

صندوق پستی: ۱۵۸۷۵/۳۳۳۱

تلفن: ۸۸۸۳۹۱۷۸

۹ - ۸۸۸۳۱۱۶۱ (داخلی ۳۷۵)

نمابر: ۸۸۳۰۱۴۷۸

وبگاه:

www.roshdmag.ir

رایانامه:

ebtedayi@roshdmag.ir

تلفن پیام‌گیر نشریات رشد:

۸۸۳۰۱۴۸۲

• کد مدیر مسئول: ۱۰۲

• کد دفتر مجله: ۱۰۹

• کد مشترکین: ۱۱۴

نشانی امور مشترکین:

تهران، صندوق پستی: ۱۶۵۹۵/۱۱۱

تلفن امور مشترکین:

۷۷۳۳۶۶۵۶ - ۷۷۳۳۶۶۵۵

شمارگان: ۴۸۰۰۰ نسخه

چاپ: شرکت افست (سهامی عام)

عکس روی جلد: اعظم لاریجانی

آموزش ابتدایی

دوره‌ی ۱۵ - شماره‌ی ۳

آذر ۹۰

پرونده ۱ تجربی‌ساز

۱۷ تا ۳۲

ویژه‌نامه‌ی آموزش ضمن خدمت معلمان ابتدایی

«برقراری ارتباط با کودک»

این ویژه‌نامه در شماره‌های

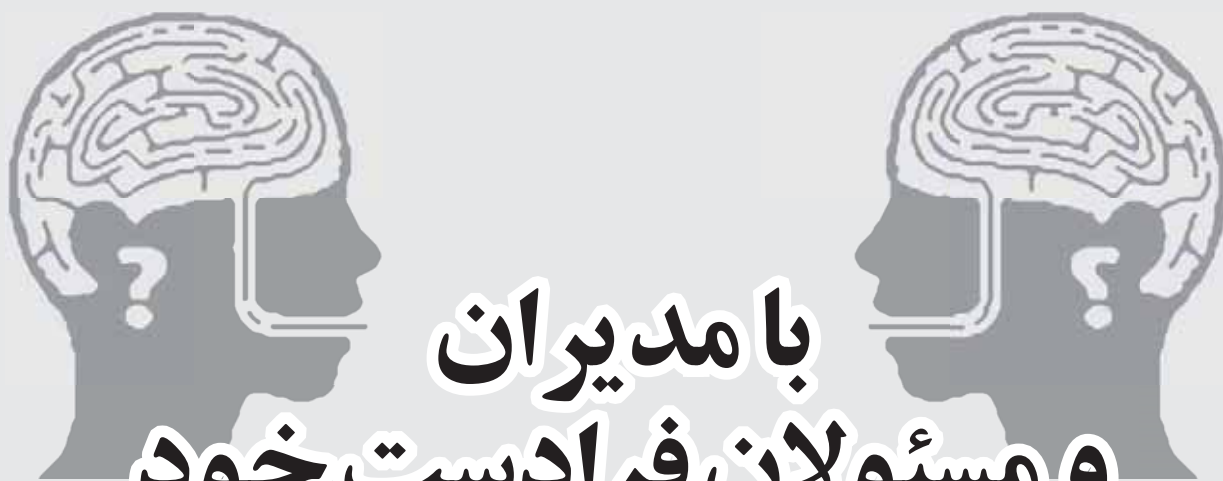
مهر تا دی ۹۰، در هر شماره ۹ صفحه و

در جمع ۳۶ صفحه چاپ می‌شود.

پرونده ۲ ضمن خدمت

قابل توجه نویسندگان و مترجمان محترم

• مقاله‌هایی که برای درج در مجله می‌فرستید، باید با اهداف و ساختار این مجله مرتبط باشد و قبلاً در جای دیگری چاپ نشده باشد. • مقاله‌های ترجمه شده باید با متن اصلی همخوانی داشته باشد و متن اصلی نیز همراه آن باشد. چنانچه مقاله را خلاصه می‌کنید، این موضوع را قید بفرمایید. • مقاله یک خط در میان، در یک روی کاغذ و با خط خوانا نوشته یا تایپ شود. مقاله‌ها می‌توانند با نرم‌افزار word و بر روی CD یا فلاپی و یا از طریق رایانامه مجله ارسال شوند. • نثر مقاله باید روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد و در انتخاب واژه‌های علمی و فنی وقت لازم مبذول شود. • محل قرار دادن جدول‌ها، شکل‌ها و عکس‌ها در متن مشخص شود. • مقاله باید دارای چکیده باشد و در آن هدف‌ها و پیام نوشتار در چه سطری تنظیم شود. • کلمات حاوی مفاهیم نمایی (کلید واژه‌ها) از متن استخراج و روی صفحه‌ای جداگانه نوشته شوند. • مقاله باید دارای تیتراژ اصلی، تیتراژ فرعی در متن و سوتیتر باشد. • معرفی‌نامه‌ی کوتاهی از نویسنده یا مترجم همراه یک قطعه عکس، عناوین و آثار وی پیوست شود. • مجله در رد، قبول، ویرایش و تلخیص مقاله‌های رسیده مختار است. • مقالات دریافتی بازگردانده نمی‌شود. • آرای مندرج در مقاله ضرورتاً مبین رأی و نظر مسئولان مجله نیست.



با مدیران و مسئولان فرادست خود گفت‌و‌گو کنید!

مرتضی مجدفر

گفت‌و‌گو کردن، هنری از هنرهای زندگی است. تنها راهی که می‌تواند ما را به موفقیت برساند، ساکت ماندن نیست، گفت‌و‌گو کردن است. به جای این که به تعبیر و تفسیر روی بیاوریم، بهتر است پرسش کنیم و با پرسش‌های مکرر، یک گفت‌و‌گوی اثربخش را سامان دهیم. روی گوشه‌ای از دفتر کلاسی خود یا حتی روی یخچال منزلتان، نوشته‌هایی با این مضامین نصب کنید: «ساکت نمی‌نشینم، حتماً با مدیرم گفت‌و‌گو می‌کنم»، «گفت‌و‌گوی روزانه با اعضای خانواده‌ام را فراموش نکنم».

بحث و گفت‌و‌گو، نشان‌گر حضور ما در صحنه است. اگرچه هنوز بسیاری از مدیران مدارس، از آموزگاران که مدام سؤال می‌کنند و درباره‌ی طرح‌ها و برنامه‌های اجرایی و علمی جدید توضیحاتی می‌خواهند، خوششان نمی‌آید، ولی بحث کردن؛ هنر زندگی کردن و گامی در مسیر رضایت‌بخش‌تر کردن کار آموزشی ما در مدرسه است. اکنون دیگر باید برای همه‌ی مدیران مدارس و مسئولان فرادست آموزش و پرورش ثابت شده باشد که گفت‌و‌گو کردن، نباید صرفاً به منظور برنده‌شدن و توجیه طرف مقابل صورت گیرد. اگر مدیر مدرسه‌ای تصور کند که چون در هنگام توضیح دادن وی درباره‌ی مثلاً «ریاضیات» اول ابتدایی که از مهرماه ۱۳۹۰ تغییر یافته است، از سوی هیچ آموزگاری پرسشی طرح نشده است، پس او پیروز شده و توضیحاتش مکفی بوده است؛ سخت در اشتباه است. چنانچه هر دو طرف، مدیر یا آموزگاران

یکی از چالش‌هایی که امروزه در مدارس ابتدایی کشورمان وجود دارد - و همواره نیز به شکل‌هایی دیگر وجود داشته است - تغییرات مکرر برنامه‌های درسی، دستورالعمل‌ها و قوانین و مقررات اداری - آموزشی است. برای مثال، اکنون چند سالی است ارزش‌یابی توصیفی در مدارس ابتدایی به اجرا درآمده است. مدت‌هاست که مدیران مدارس و مسئولان ارشد آموزش و پرورش با آموزگاران درباره‌ی ضرورت پژوهش‌های دانش‌آموزی و سپردن فعالیت‌هایی برای انجام توسط فراگیرندگان در اوقات غیرمدرسه‌ای سخن می‌گویند. از ابتدای مهرماه امسال، با هم‌سوسازی برنامه‌ها و کتاب‌های درسی پایه‌ی اول ابتدایی با برنامه‌ی درسی ملی، این سند ملی، عملیاتی و به مرحله‌ی اجرا نزدیک شده است. در بسیاری از این موارد، مسئولان ارشد آموزش و پرورش، موضوع را به مسئولان آموزش و پرورش استان و سپس شهرستان و منطقه و نواحی ابلاغ می‌کنند و مدیران مدارس نیز پس از شنیدن حرف‌های فرادستان، سعی می‌کنند مفاد طرح‌ها و برنامه‌ها و تغییرات را به آموزگاران ابلاغ کنند. چالشی که گفتیم، از همین جا آغاز می‌شود. آموزگاران به شنیدن بسنده می‌کنند و اگر حرف و حدیث، پیشنهاد و انتقادی داشته باشند، لب به سخن نمی‌گشایند و در حالت خوش‌بینانه‌اش، سعی می‌کنند که اجراکننده‌ی خوبی برای طرح‌های ابلاغی باشند. راستی چرا آموزگاران از گفت‌و‌گو با مدیران مدارس و مسئولان فرادست و ارشد خود دوری می‌کنند؟ برای پدیدآمدن و تقویت این مهارت چه باید کرد؟

با این مفهوم به گفت‌وگو نگاه کنند، باید منتظر تیره و تار شدن روابط فیما بین باشند.

گفت‌وگوی منطقی، روندی نیست که ما به واسطه‌ی آن، در پی نابودی یا حتی تمسخر دیگران باشیم. گفت‌وگو ابزاری است که با آن می‌توان به نهایت خواسته‌ها و آرزوهای متعادل رسید. گفت‌وگو کردن، هنری غیرقابل انکار است که با آن می‌توان با عمل و عکس‌العمل متقابل، با دیگران به گونه‌ای موفقیت‌آمیز ارتباط برقرار کرد. در یک گفت‌وگوی موفقیت‌آمیز، رابطه باید از نوع برنده - برنده باشد و هر دو نوع رابطه‌ی دیگری (برنده - بازنده و بازنده - بازنده) مناسب محیط‌های آموزشی نیست.

برنده - برنده یا بازنده - برنده؟

یکی از اساسی‌ترین مهارت‌ها در زمینه‌ی گفت‌وگو، هنر خوب گوش دادن است. با گوش دادن اثربخش، توان شنیدن صحبت‌های دیگران را پیدا می‌کنیم؛ توان شنیدن آن‌چه که دیگران می‌گویند و یا نمی‌گویند! اجازه دهید در این زمینه مثالی برایتان ذکر کنیم:

«آموزگاران در جلسه‌ی شورای معلمان حاضر شده‌اند. کارشناسی از واحد آموزش ابتدایی ناحیه/ اداره برای حضور و صحبت در جمع معلمان به مدرسه دعوت شده است. قرار است او درباره‌ی برنامه‌ی درسی ملی و آغاز طرح هم‌سوسازی برنامه‌ها و کتاب‌های درسی پایه‌های گوناگون ابتدایی با این برنامه گفت‌وگو کند. یکی از خانم معلم‌ها، جایی شنیده است که برنامه‌ی درسی ملی، سندی است کلان که معلم‌ها به سختی می‌توانند با آن ارتباط برقرار کنند. آقای کارشناس در ارتباط با برنامه‌ی درسی ملی توضیح می‌دهد و با مثال‌های گوناگون، اجزای این سند را می‌شکافد. سپس با اشاره به دو کتاب درسی «قرآن» و «ریاضیات» پایه‌ی اول که با اجرای طرح هم‌سوسازی، تغییر یافته‌اند و جدیدالتألیف هستند، از معلمان می‌خواهد که در این باره به گفت‌وگو بپردازند. خانم معلم مذکور که از مهارت گوش دادن بهره‌ی کمی دارد و علاوه بر این با جمله‌ای که پیش از این شنیده است، درباره‌ی برنامه‌ی درسی ملی موضع منفی گرفته است، باب گفت‌وگو را باز می‌کند. در واقع درست است که این خانم معلم باب گفت‌وگو را باز کرده است، ولی چون آن چیزهایی را که کارشناس گفته، شنیده و علاوه بر این، آن چیزهایی را هم که او نگفته، شنیده است؛ شاهد گفت‌وگوی دل‌چسبی نخواهیم بود. این گفت‌وگو اساساً به دلیل تفکری که خانم آموزگار دارد (برنده - بازنده) و این‌که به نوعی می‌خواهد به کارشناس بفهماند که او اشتباه می‌کند، ره به جایی نخواهد برد. البته همان‌طور که در بسیاری از جلسات اداری هم مرسوم است، رؤسا و سخن‌رانان، حاضران را افراد

بی‌اختیاری می‌دانند که باید هر آن چیزی را که آن‌ها می‌گویند، بی‌کم و کاست دریافت کنند و هیچ پرسشی مطرح نکنند.»

نرم، لطیف و غیراداری کردن پرسش‌ها هم می‌تواند گفت‌وگوها را مؤثر کند. می‌خواهید با مدیرتان گفت‌وگو کنید، هنگام صرف چایی و یا در وقت استراحت این کار را انجام دهید. زمانی که او تازه از جدالی نفس‌گیر با ولی دانش‌آموزی فارغ شده است و یا پس از پاسخ‌گویی او به فلان طلب‌کار مدرسه، زمان مناسبی برای گشایش باب گفت‌وگو نیست.

برای گفت‌وگو کردن، از قالب روایی و داستانی هم استفاده کنید. چرا داستان‌ها تا این اندازه اثرگذارند؟ چون با زبانی شیرین و خودمانی بیان می‌شوند و البته منظور اصلی هم، چون ساقه‌ای در میان شاخ و برگ‌ها خوندنمایی می‌کند. منظور ما از هر گفت‌وگو و طرح مسئله‌ای خلق تصاویر زنده در ذهن و فکر طرف مقابل است. سعی کنید در هنگام گفت‌وگو با مدیر مدرسه و سایر مسئولان ارشد آموزش و پرورش، از لغات و جملات ساده استفاده کنید تا بحث و گفت‌وگو، به مغلطه‌کاری و گفت‌وگوهای دهان پرکن بی‌نتیجه نرسد.

نتیجه و حسن ختام

بحث و گفت‌وگوهای موفق مدرسه‌ای، مانند زندگی شیرین و دوست‌داشتنی است و صرفاً با هر دو طرف تکمیل می‌شود. باید پذیریم که خواست یک طرف و اکراه یک طرف دیگر، پیروزی شیرینی را به دنبال نخواهد داشت. کلید راه‌یابی به اعماق قلب دیگران، قدرت‌مند کردن دیگران در ادامه‌ی بحث‌ها و گفت‌وگوهاست. در واقع با گذاشتن قدرت خود در دست دیگران و قوی ساختن آن‌ها برای پذیرش یا رد مباحث، ترس را از آن‌ها دور و ادامه‌ی بحث را شیرین می‌سازید. هم آموزگاران، هم مدیران و هم مدیران ارشد آموزش و پرورش باید خود را درک کنند و به یکدیگر بفهمانند که برخلاف قدرت و نیروی کافی که دارند، هیچ‌گاه نباید حق زندگی را از دیگران بگیرند و با صحبت‌ها و قضاوت‌های یک‌جانبه‌ی خود، آن‌ها را اسیر افکار نادرست، ناقص و یا غلط کنند. آموزش و پرورش ما، تنها با گفت‌وگوهای منطقی مدیران و معلمان با یکدیگر و نیز گفت‌وگوهای مجموعه‌ی کارکنان مدرسه با مدیران ارشد آموزش و پرورش دچار تحول می‌شود.

با هنر زیبای گفت‌وگو کردن، هر آرزو و خواسته‌ی به حق و مشروعی را می‌توانیم به دست آوریم. صحبت کردن توأم با قبول داشتن یکدیگر، تلاشی دوستانه است که دست‌آوردهای درخشانی در پی خواهد داشت. بیایید به این توصیه عمل کنیم و با گفت‌وگوهای منطقی، آموزش و پرورش کشورمان را در مسیر تحول قرار دهیم.

پزشک مدرسه!

اصغر ندیری

گفت و گو با دکتر علی فراست کیش درباره‌ی طب تحصیلی و نیازهای بهداشتی - تغذیه‌ای دانش‌آموزان

○ آقای دکتر! چند سال سابقه‌ی فعالیت پزشکی دارید؟

از ۱۶ سال پیش مشغول طبابت هستم که ۱۲ سال آن در مدرسه‌ها و انجام طب تحصیلی گذشته است.

○ آیا طب تحصیلی یا مدرسه‌ای، رشته‌ی خاصی است؟

شاید بتوان گفت که طب تحصیلی بخشی از طب کار است. به‌طور عمده دیدگاه‌ها در طب کار از منظر ارتباط انسان با محیط کار است و موادی که با آن‌ها سروکار دارد. چون رشته‌ی پزشکی با انسان سروکار دارد، هر جا که آدمی حاضر باشد، به ناچار مسائل پزشکی و بهداشتی نیز آن‌جا مطرح است. بنابراین اخیراً رشته‌ای تخصصی در بعضی مراکز علمی دنیا با نام طب تحصیلی به راه افتاده و درباره‌ی آن تحقیقاتی صورت گرفته است. اما این را توضیح بدهم که کار ما الگوبرداری محض از نمونه‌های خارجی نبوده است، بلکه مسائل دانش‌آموزان یا آموزگاران خود را با موضوعات پزشکی خاص خودمان سنجیده و بررسی کرده‌ایم؛ چون هر محیط و هر شغلی در سلامت انسان تبعات خاص خود را می‌گذارد. امروزه این رشته در ایران وجود دارد و مقالات دستاوردهای آن در مجلات معتبر چاپ می‌شود.

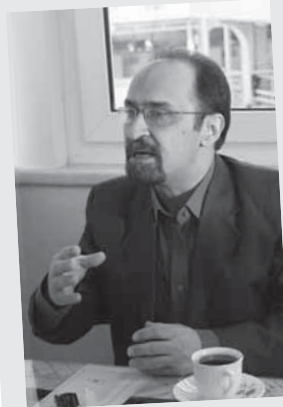
○ در مدرسه از دید پزشکی تحصیلی چه مشکلاتی ممکن است، پیش بیاید؟

طب تحصیلی در دو بخش اساسی به معلم و دانش‌آموز توجه دارد. بخشی که با معلم‌ها ارتباط دارد، به شرایط کاری و زمانی که آن‌ها صرف کار می‌کنند، برمی‌گردد. با وجودی که این پی‌گیری‌ها در کشور ما کمتر انجام می‌پذیرد، اما کلیه‌ی معلم‌ها باید بدانند وقتی به سن ۴۵ سالگی می‌رسند، باید سالی یک‌بار از لحاظ پیشگیری از ابتلا به برخی بیماری‌ها معاینه شوند. هم‌چنین خانم‌های آموزگار وقتی به ۵۰ سالگی می‌رسند، باید معایناتی روی آن‌ها انجام شود. در مرحله‌ی بعد آموزش‌هایی است که این افراد باید ببینند. از مهم‌ترین بخش‌های پزشکی تحصیلی، بحث سلامت حرفه‌ای معلمی است. به دو دلیل بیماری‌های تنفسی از بیماری‌های شایع در میان آموزگاران است. وقتی شاگردان به بیماری‌های ویروسی دچار می‌شوند، در معلم‌ها نیز احتمال ابتلا بیشتر می‌شود. می‌دانید که بچه‌های دبستانی، اغلب به بیماری‌های عفونی تنفسی دچار

اشاره

آموزگاران و دانش‌آموزان، ساعت‌های بسیاری را در مدرسه و محیط‌های آموزشی سپری می‌کنند. این گذشت زمان، حاشیه‌هایی دارد که یکی از آن‌ها توجه به بهداشت و سلامت جسمی و روحی این گروه از عناصر نظام تعلیم و تربیت است.

حال با نگاه به موضوع سلامت و تأمین بهداشت در مدرسه بحث «طب تحصیلی»^۱ یا طب مدرسه‌ای پیش می‌آید که خود شاخه‌ای از طب کار است. به همین منظور در کشورهای پیشرفته، سازمان‌های آموزشی شاهد حضور پزشک در واحدهای خود هستند. در همین ارتباط و برای کسب اطلاعات بیشتر درباره‌ی این موضوع و شنیدن توصیه‌ها و تجربه‌ها با دکتر علی فراست کیش گفت‌وگویی انجام داده‌ایم که شما را به خواندن آن دعوت می‌کنیم.



عکس: رضا بهرامی

می‌شوند. این بیماری‌ها واگیردارند و عوارضی به‌جا می‌گذارند. بسیاری از موارد مرتبط با دیابت، متعاقب عفونت‌های ویروسی ایجاد می‌شود. بنابراین در آموزگاران احتمال ریسک ابتلا به بیماری قند بیشتر است. علت دیگر بیماری‌های تنفسی همین گچی است که روی تخته می‌نویسند و سپس آن را پاک می‌کنند و ذراتش در هوا معلق می‌شود. در این صورت و برای جلوگیری از خطر باید تخته را پیش از شروع کلاس و یا پس از پایان کلاس پاک کرد.

طب تحصیلی، اما به دانش‌آموزان از سه زاویه نگاه می‌کند. اول از زاویه‌ی غربال‌گری یا بیماریابی؛ وقتی دانش‌آموز وارد پایه‌ی اول دبستان می‌شود، ممکن است مشکلات جسمی خاصی داشته باشد و یا حتی دارای مشکل بیش‌فعالی باشد. اگر آموزگاری با این موارد آشنایی و برخورد نداشته باشد، ممکن است فکر کند اخراج دانش‌آموز از کلاس بهترین راه است.

دوم از زاویه‌ی اختلال کم‌خونی؛ کم‌خونی مستقیماً سطح فراگیری دانش‌آموز را پایین می‌آورد. دانش‌آموز کم‌خونی داشت که در نوبت اول نمرات خوبی کسب نکرده بود، ولی پس از درمان دیدیم که سطح نمرات وی بسیار بالا رفت.

پیدا کردن دانش‌آموزی که اختلال تیروئید یا مشکلاتی دیگر دارد نیز به طب تحصیلی برمی‌گردد. اگر این غربال‌گری انجام شود، سطح یادگیری دانش‌آموزان به اندازه‌ی مطلوبی خواهد رسید. بخش دیگر کار ما در ارتباط با دانش‌آموزان، آن موضوع یا مشکلاتی است که در طول سال تحصیلی و گاهی ناخواسته پیش می‌آید. مثلاً وضعیت‌های استرس‌زا در ایام امتحان که برای دانش‌آموزان خطرناک است. مدیریت این مسائل، بخشی از وظایف پزشکی تحصیلی است. عمل ما در تعامل با دانش‌آموزان و یا آموزگاران باید طوری باشد که نگرانی‌ها از بین برود. از جمله اتفاقاتی که برای هر دانش‌آموز در سال تحصیلی رخ می‌دهد و منجر به غیبت از کلاس می‌شود، سرماخوردگی، اوریون و آبله‌مرغان است. بیماری‌های غیر واگیردار هم مانند شکستگی‌های استخوان در اثر حوادث و ورزش یا در زنگ تفریح نیز از این دست مشکلات است که اگر عوامل مدرسه اطلاعاتی در پیش‌گیری یا برخورد با این‌ها داشته باشند، خوب است.

○ با توجه به اقلیم‌های متفاوت و وجود دانش‌آموزان عشایری، روستایی و شهری در کشورمان، نگاه به این‌ها از دیدگاه حرفه‌ی شما چگونه است؟

در پزشکی تحصیلی و در سطح دنیا به شغل، محل زندگی و سن بیمار توجه می‌شود. به فرض اگر مراجع ما جوان و دارای بیماری گوارشی باشد، اولین احتمال ما عفونت معده یا زخم‌معده است. اما اگر پیرمردی مراجعه کرد، می‌گوییم بیماری بدخیم و سن بالا در آن مؤثر

بوده است. در مناطق شمالی کشور، احتمال بدخیم‌بودن این بیماری گوارشی به دلیل نوع تغذیه بیشتر است. تغذیه و ژنتیک، علاوه بر محل زندگی در شیوع بیماری اثر می‌گذارد. به عنوان مثال وقوع کم‌خونی در تهران، به دلیل آلودگی آب‌وهوا احتمال بیشتری دارد.

بین دختر و پسر نیز بیماری‌ها و نگاه بهداشتی متفاوت است و آموزگارها باید این تفاوت‌ها را بدانند.

○ آیا وجود پزشک در مدرسه‌ها الزامی و تعریف شده است؟

امروزه از جنبه‌ی بیماریابی و به‌وجود آمدن مسائل جسمی یا روحی در مدرسه و لزوم آموزش موضوعات بهداشتی موردنیاز، حضور پزشک در مدرسه ضروری می‌نماید. در مدارس بعضی کشورهای اسکاندیناوی پزشک معمولاً حضور دارد. آموزش‌هایی که اشاره شد برای آگاهی

○ * در مدرسه‌هایی که پزشکان حضور دارند، سطح علمی و شادابی دانش‌آموزان بسیار بالا رفته است

خانواده‌ها نیز مفید است. مدارس را می‌شناسم که تحت پوشش پزشک هستند و به یکی از مهم‌ترین معضلات امروز جامعه که چاقی است، رسیدگی می‌کنند.

○ در کنار بحث چاقی یکی از مهم‌ترین مسائل دانش‌آموزان نخوردن صبحانه است. خوردن صبحانه چه اهمیتی دارد و از چه راه‌هایی می‌توان بچه‌ها را نسبت به آن تشویق کرد؟

صبحانه نخوردن به خاطر تأثیری که روی قندخون می‌گذارد، بی‌واسطه روی فراگیری دانش‌آموزان مؤثر است. خانواده‌ها این را هم بدانند که خوردن صبحانه با امر و نهی امکان‌پذیر نیست. اگر می‌خواهید بچه‌ها به این وعده‌ی غذایی میل پیدا کنند، باید همچون سفره‌ی شام و ناهار مفصل باشد و همه‌ی خانواده با هم باشند. شب، شام را زودتر بخورند و صبح زودتر از خواب برخیزند. اما چاقی که از آن سخن به میان آمد، چاقی عوارض بسیار دارد. چنانچه اگر تا دو سال پیش از جراحی برای رفع چاقی جلوگیری می‌شد، امروز تجویز می‌شود. میل به فست‌فودها و تنقلات پرکالری و کم‌حرکی باعث چاقی می‌شود. حتی برخی استرس‌ها باعث ناراحتی خاصی به نام پرخوری عصبی می‌شود. بازی‌های رایانه‌ای نیز تمایل به شکلات و نوشابه‌های گازدار را افزایش می‌دهد. اگر امروز جلوی چاقی را در مدرسه‌ها نگیریم، فردا باید متخصصان دیابت، چشم‌پزشکی و فشار خون را زیاد کنیم. بچه‌ی چاق امروز ۱۵ سال بعد یا دیابت یا آرتروز زانو

پی نوشت

1. School base Medicin

در مدرسه‌های دخترانه اختلال کم‌خونی و کم‌کاری تیروئید دیده می‌شود. از جنبه‌ی روحی هم شاید کودکی به وسواس یا افسردگی دچار باشد. اگر مرجعی به عنوان پزشک در مدرسه باشد، می‌تواند جلوی بروز مشکلات را بگیرد.

خواهد داشت. پزشکی تحصیلی به دانش‌آموزان می‌آموزد که صبحانه بخورند و از روی آوردن به بعضی تنقلات خودداری کنند. ما به بچه‌ها و همین‌طور خانواده‌ها می‌گوییم کی و چه مقدار غذا بخورند و کی و چقدر بخوابند. از لحاظ نمونه این نوید را بدهم که در مدرسه‌هایی که من با آن‌ها کار می‌کنم، چند مورد چاقی بیمارگونه داشتیم که با دستور غذایی و مراقبت خانواده درمان شدند. در تکمیل این بخش باید بگویم همه‌ی بچه‌ها در مدرسه‌هایی که پزشک دارند، دارای پرونده‌ی سلامت هستند و این اطلاعات موقعی ارزش پیدا می‌کند که مشکلات جسمی و یا روحی دانش‌آموزان پی‌گیری شود.

○ با توجه به اهمیت موضوع سلامت، آیا فکر می‌کنید در آینده وجود پزشک در مدارس جدی‌تر گرفته شود؟

این به دو عامل بستگی دارد. نخست باید دست‌اندرکاران سیاست‌گذاری آموزش و پرورش به این باور برسند که این کار ضروری است و باید پایه‌ریزی شود. در مرحله‌ی بعد این که اقدام عملی کنند. با این دید، سطح علمی کشور هم ارتقا می‌یابد. یعنی تنها مطالعه را نباید عامل پیشرفت و ترقی بدانیم. عقل سالم در بدن سالم است. در مدرسه‌هایی که همکاران پزشک من فعالیت دارند، ثابت شده است که پس از حضور پزشک، سطح علمی و شادابی بسیار بالا رفته است. گاهی بعضی سرمایه‌گذاری‌ها در بلندمدت محصول خود را نشان می‌دهد. به این سرمایه‌گذاری به چشم هزینه و تجمل نگاه نکنیم.

○ با توجه به عدم عمومیت آموزش‌ها، آموزگاران چه اطلاعاتی باید داشته باشند تا بتوانند مشکل یا بیماری دانش‌آموزی را بشناسند؟

بخشی از طب تحصیلی که به آموزگاران ارتباط دارد، می‌گوید: «سلامت خود معلم برای ما مهم است. در این صورت است که دانش‌آموزان هم بهره‌ی بیشتری از تدریس خواهند برد.» معلم هم باید آموزش ببیند. معلم، نباید فقط فارسی، ریاضی یا جغرافی درس بدهد؛ بلکه وقتی به شاگردش نگاه می‌کند، باید از سر کنجکاوی و شناخت باشد. اگر دانش‌آموزی را دیدید که در زنگ اول دارد چرت می‌زند یا بی‌حال نشسته است، باید توجه کنید. یا صبحانه نخورده و یا بد خواب است و اگر چنین حالتی ادامه پیدا کرد، حتماً باید به معلم مشاور یا پزشک مدرسه اطلاع داده شود. خوب است به خوراکی‌های همراه دانش‌آموز نیز توجه شود. افت تحصیلی ناگهانی یک دانش‌آموز هم از نظر دور داشته نشود.

بدون خانواده

لیلا سلیمه‌دار

دکترای روانه‌ریزی آموزشی و معلم

نمونه تکلیف‌های پژوهشی

اشاره
تکلیف از جمله ابزارهایی است که هر معلمی برای تکمیل و تعمیق آموزه‌های دانش‌آموزان از آن استفاده می‌کند. اهمیت و ضرورت این موضوع موجب شده است که انواعی برای تکلیف تعریف شود. در این دسته‌بندی‌ها، می‌توان به تکالیف پژوهشی نیز اشاره کرد. در بخش سوم از سلسله مطالب دانش‌آموز، خانواده و تفکر پژوهشی به نمونه‌هایی از تکالیف پژوهشی اشاره شده است که دانش‌آموزان به تنهایی از عهده‌ی انجام آن برآیند.

زنگ کلاس به صدا درآمد. هم‌زمان با آن صدای بچه‌ها هم بلند شد. بیشتر آن‌ها به دنبال این پرسش از معلم خود بودند: «اجازه! تکلیف نمی‌گیرد؟» خانم معلم کمی فکر کرد و گفت: «من که تکلیفم را بین درس گفتم.» فقط کافیه که همان فعالیت را انجام دهید.» مریم که همیشه جلوتر از سایرین سوالاتش را می‌پرسید، گفت: «خانم این که فقط تماشای برنامه‌ی تلویزیون است. من همیشه همین کار را می‌کنم.»



در این تکلیف، معلم می‌خواهد علاوه بر این که دانش‌آموزان را به دانستن بیشتر و مرور دربارهی درس جدید ترغیب کند، موجب تقویت مهارت فرضیه‌سازی آن‌ها شده و در ضمن از «نوشتن» و «تقاشی کردن» به عنوان دو راه از راه‌های ارائه‌ی گزارش استفاده کند. در این حالت دانش‌آموز مجبور است که درس جدید را مرور کند و دربارهی آن بیندیشد و به این ترتیب به بزرگ‌ترین دغدغهی معلم پاسخ دهد، اما در کنار آن موجب تقویت مهارت‌های پژوهشی خود نیز شود. این امر در ارتباط با هر یک از انواع تکالیف تمرینی، آماده‌سازی، خلاقیتی و یا بسطی قابلیت کاربرد دارد. فقط کافی است تا جای پای یک یا چند مهارت پژوهشی در آن دیده شود. برای مثال در تکالیف تمرینی معلم از دانش‌آموز می‌خواهد تا مهارت یا مطلب جدیدی را که آموخته است، تکرار کند. این تکرار می‌تواند به گونه‌ای اتفاق بیفتد که مهارتی پژوهشی را پوشش دهد. در ساعت ریاضی و در پایان درس، معلم از دانش‌آموزان می‌خواهد که برای حل مسئله‌های درس، یکی از راه‌های زیر را انتخاب کنند:

- ✓ صورت مسئله را بخوانید، سپس در یک نقاشی آن چه را که از صورت مسئله متوجه شدید، بکشید؛ طوری که بدانید این مسئله چه می‌خواهد. سپس آن را حل کنید.
- ✓ صورت مسئله را بخوانید، آن چه از آن متوجه شدید را در یک داستان کوتاه بنویسید، به شکلی که معلوم شود در آخر این مسئله از شما چه می‌خواهد. سپس آن را حل کنید.
- ✓ صورت مسئله را بخوانید و ببینید آیا می‌توانید وسیله‌ای بسازید که با کمک آن راحت‌تر بتوانید مسئله را حل کنید. سپس مسئله را حل کنید. (در این حالت هر یک از ابزار چارت، نمودار یا ساخت وسیله می‌تواند موردنظر باشد).



در هر یک از تکالیف یاد شده، دانش‌آموز باید در نهایت مسئله را حل کند. اما در مرحله‌ی اول فعالیت‌هایی تعریف شده است که می‌تواند به

خانم معلم هم جواب داد: «خوب است، پس با این کار آشنایی داری. کافی است برنامه‌ای را که گفتیم، ببینید و در پایان گزارشی از آن چه دیدید، بنویسید. میزان نوشته‌تان مهم نیست. فقط هر چه را که از آن برنامه مشاهده کردید، گزارش دهید.»

بچه‌ها مشغول خروج از کلاس بودند اما همچنان صدایشان می‌آمد که: «چه خوب امروز تکلیف نداریم.»



تکلیف قدمتی به اندازه‌ی تاریخ آموزش دارد. از زمانی که کسی قصد داشت چیزی را آموزش دهد، همواره اندیشه‌ی چگونگی تأکید بیشتر بر آموخته‌ها در ذهن آموزش‌گر بوده است. در این بین یکی از شایع‌ترین شیوه‌ها، تکالیف نوشتاری بوده‌اند. شاید همه‌ی ما تجربه‌ی ناراحتی حاصل از نوشتن زیاد را فراموش نکرده باشیم. متأسفانه تکیه‌ی معلم به استفاده از تنها یک راه از راه‌های انجام تکلیف، موجب می‌شود تا دانش‌آموزان نتوانند سایر شیوه‌های مطلوب و اثرگذار در تکلیف را احساس کنند و به همین خاطر خود را در انحصاری از تکرارهای گاه نامتناسب گرفتار ببینند. از سوی دیگر توجه به تأثیرگذاری تکلیف در مهارت‌ورزی پژوهشی از دیگر مقوله‌های مهمی است که امروزه از ضروریات آموزش و کلاس درس به حساب می‌آید.

تکالیف پژوهشی برخلاف آن چه اکنون در بسیاری از کلاس‌های درس رایج است، به معنای انجام صرف تحقیق و یا جمع‌آوری اطلاعات به تنهایی نبوده و شامل انواع متنوع و وسیعی است. برای مثال و مطابق با آن چه در ابتدا به آن اشاره شد، ممکن است معلم از دانش‌آموز بخواهد تا برداشت‌های خود را از یک موضوع گزارش دهد. در چنین حالتی تمرکز معلم به مهارت‌ورزی دانش‌آموزان در زمینه‌ی «ارائه‌ی گزارش» و نیز «مشاهده» است. در این جا دانش‌آموز یک پژوهش کامل انجام نداده است، اما می‌تواند با انجام این فعالیت، قسمتی از یک پژوهش دانش‌آموزی را تجربه کند.

در این دیدگاه هرچند عملکرد دانش‌آموز در راستای تقویت مهارت‌های پژوهشی است، ولی معلم از موضوعات درسی خود نیز غافل نشده و می‌تواند بین این دو پیوندی برقرار کند. مثال زیر نمونه‌ای از این منظور است:

معلم در پایان درس «اتم» به دانش‌آموزان می‌گوید: «امروز وقتی راجع به درس فکر کردید، تصور کنید که شما کاشف ذره کوچک‌تر از اتم خواهید بود. این ذره را بکشید، نامی برای آن انتخاب کنید و کنار آن بنویسید و در چند جمله به ویژگی‌های آن اشاره کنید.»

تعریف مسئله و تشخیص معلوم و مجهول کمک کند. این مهارت یکی از مهم‌ترین مهارت‌های پژوهشی است و این فعالیت‌ها علاوه بر تقویت این مهارت مهم، کمک می‌کند تا دانش آموز با داشتن حق انتخاب به گونه‌ای عمل کند که بیشتر با توانایی‌ها و علاقه‌مندی‌هایش تناسب داشته و از این طریق راه یادگیری خود را بشناسد.

پژوهش‌های دانش‌آموزی و تکالیف آماده‌سازی

در تکالیف آماده‌سازی، معلم تلاش می‌کند تا تکالیفی را تعیین کند که انجام آن به آماده‌سازی بیشتر دانش‌آموزان برای آغاز یادگیری موضوع تازه کمک کند. برای این کار فعالیت‌های گوناگونی قابل انجام است. برای مثال معلم از دانش‌آموز می‌خواهد برای آمادگی بیشتر در ارتباط با موضوع متوازی‌الاضلاع و بدون این که نامی از آن برده باشد، به محیط زندگی خود توجه کنند و هر آن چه را که دارای چهار ضلع هستند، شناسایی و یکی از فعالیت‌های زیر را انجام دهند:

- ✓ در یک لیست آن‌ها را نام ببرند.
- ✓ شکل آن‌ها را بکشند.
- ✓ از آن‌ها عکس بگیرند.
- ✓ ماکت آن‌ها را بسازند.

یا این که در صورتی که کار با رایانه و اینترنت را می‌دانند، تصاویری را پیدا کنند که چهار ضلع دارند و آن‌ها را در پوشه‌ای ذخیره کرده و به کلاس ارائه دهند.



در هر دو حالت دانش‌آموزان علاوه بر آماده شدن برای آموختن موضوع تازه، به جمع‌آوری اطلاعات پرداخته و این مهارت را در خود پرورش می‌دهند. ضمن آن که ایجاد چنین فضایی برای انتخاب نوع انجام تکلیف تنوع و جذابیت بیشتری دارد و انواع راه‌های ارائه‌ی گزارش را نیز به دانش‌آموزان رهنمون می‌شود.

در تکالیف بسطی، هدف این است که دانش‌آموز بتواند آن چه را که آموخته است، در موقعیت‌های دیگر ببیند و بیشتر درباره‌ی آن اطلاعات کسب کند و آن را گسترش دهد. در چنین حالتی می‌توان ارتباط زیادی با هر نوع از مهارت‌های پژوهشی لحاظ کرد. برای مثال معلم دانش‌آموزان را به انجام این فعالیت دعوت می‌کند:

«تا یک هفته فرصت دارید تا نمودهای آیه‌ای را که به احترام والدین تأکید می‌کند در خانواده‌ی خود، در برنامه‌هایی که احتمالاً از تلویزیون می‌بینید و در میان اقوام و دوستان پیدا کرده و به یکی از شیوه‌های زیر به کلاس ارائه دهید:

- ✓ آن چه را می‌بینید به صورت کوتاه بیان و صدای خود را ضبط کنید.
- ✓ دیده‌های خود را به صورت کوتاه بنویسید.
- ✓ نمودها را نقاشی کنید.
- ✓ تنوع و تکرار یافته‌های خود را روی نمودار نشان دهید.
- ✓ مصاحبه‌ای با دیگران ترتیب دهید و گزارش آن را ارائه دهید.
- ✓ نمایشی را همراه گروه خود ترتیب دهید و نمودها را در آن نشان دهید.



پژوهش‌های دانش‌آموزی و تکالیف خلاقیتی

تکالیف خلاقیتی از تکالیفی هستند که ساده‌تر از سایر تکالیف می‌توان ارتباط آن‌ها را با پژوهش احساس کرد. در این نوع تکالیف دانش‌آموزان می‌بایست با تلفیق و درهم ریختن اطلاعات و آموخته‌های گوناگون خود به شکل تازه‌ای از موضوع دست پیدا کنند. در این حالت هدف نهایی علاوه بر تقویت خلاقیت، یادگیری و تعمیق بیشتر آموخته‌ها است. نمونه‌ی زیر یکی از این نوع تکالیف است که در آن به مهارت‌های پژوهشی هم توجه شده است:

«در پایان درس معلم از دانش‌آموزان خود می‌خواهد که درباره‌ی مسئله‌های داده شده، فکر کنند و راه‌های دیگری را برای حل آن پیدا کنند» در این حالت دانش‌آموزان مهارت‌های تعریف مسئله، فرضیه‌سازی و آزمون فرضیه را تمرین می‌کنند. این در حالی است که حس اعتماد به نفس آنان نیز تقویت می‌شود و می‌توانند به این باور برسند که همواره در برخورد با هر مسئله‌ای ممکن است علاوه بر راه‌های متعارف، ده‌ها راه دیگر نیز وجود داشته باشد.

از این مورد و سایر نمونه‌هایی که در مهارت‌ورزی پژوهشی دانش‌آموزان در نظر است، می‌توان به این نتیجه رسید که هدف و غایت نهایی در آموزش پژوهش دانش‌آموزی از این دست، آموزش مهارت‌هایی برای زندگی کردن است که می‌تواند ویژگی‌هایی را در افراد شکل دهد که توان‌مندی آنان را در مواجهه با مسائل گوناگون زندگی افزایش داده، به بهبود و ارتقای شرایط زندگی منجر شود. این گونه فعالیت‌ها رنگ کهنه‌ی تکالیف تکراری و غیر جذاب را از ذهن دانش‌آموز می‌زداید و زندگی آنان را در ساعات خارج از کلاس درس و در اوقاتی که آنان مجبور به انجام فعالیت درسی هستند، چنان با پژوهش پیوند می‌زند که دیگر جدایی درس یا پژوهش از زندگی احساس نشود.

لازم به یادآوری است که نمونه‌های ذکر شده، تنها نمونه‌ی اندکی از آن چیزی است که در دنیای گسترده و متنوع تکالیف پژوهشی می‌توان به آن اشاره کرد.

نیما!

اعظم لاریجانی

دستم خالی بود و تکالیفم را انجام نداده بودم. حتی لای کتاب «جغرافی» را هم باز نکرده بودم. قرار بود خانم کازرانی درس بپرسد. دل توی دلم نبود. همین که خانم از روی صندلیش بلند شد، به آرامی زیر میز خزیدم. خوش حال بودم که خانم کازرانی هیچوقت از روی دفتر اسمی را نمی خواند، بلکه زل می زند توی چشمها و آن چشمی را که ترسیده است، شناسایی و به پای تخته احضار می کند.

سکوت کلاس را فرا گرفته بود. خوش حال از این که در یک مکان امن سناگر گرفته بودم، قلبم تاپ تاپ می زد. هر لحظه منتظر شنیدن صدای دورگه اش بودم که نام یکی از بچه ها را صدا کند و قال قضیه کنده شود. اما این بار سکوت طولانی تر از همیشه بود. صدای قدم هایش را شنیدم که دور می شد و بعد صدای جیرجیر صندلیش درآمد. تعجب کردم، چرا کسی را صدا نکرد و رفت پشت میزش.

همین طور که گوش سپرده بودم به کوچک ترین صدایی که از هر طرف کلاس ممکن بود بلند شود، صدای خانم کازرانی را شنیدم که با خون سردی گفت: «نیما اگر کارت زیرمیز تمام شد، بیا پای تخته.»



دفتر انتشارات کمک آموزشی

با مجله های رشد آشنا شوید

مجله های رشد توسط دفتر انتشارات کمک آموزشی سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی وابسته به وزارت آموزش و پرورش تهیه و منتشر می شوند:

مجله های دانش آموزی

(به صورت ماهنامه و هشت شماره در هر سال تحصیلی منتشر می شوند):

رشد کودک (برای دانش آموزان آمادگی و پایه اول دوره دبستان)

رشد نوآموز (برای دانش آموزان پایه های دوم و سوم دوره دبستان)

رشد دانش آموز (برای دانش آموزان پایه های چهارم و پنجم دوره دبستان)

رشد نوجوان (برای دانش آموزان دوره راهنمایی تحصیلی)

رشد جوان (برای دانش آموزان دوره متوسطه و پیش دانشگاهی)

مجله های بزرگسال عمومی

(به صورت ماهنامه و هشت شماره در هر سال تحصیلی منتشر می شوند):

رشد آموزش ابتدایی ♦ رشد آموزش راهنمایی تحصیلی ♦ رشد تکنولوژی آموزشی ♦ رشد مدرسه فردا ♦ رشد مدیریت مدرسه ♦ رشد معلم

مجله های بزرگسال و دانش آموزی تخصصی

(به صورت فصلنامه و چهار شماره در هر سال تحصیلی منتشر می شوند):

رشد برهان راهنمایی (مجله ریاضی برای دانش آموزان دوره راهنمایی تحصیلی) ♦ رشد برهان متوسطه (مجله ریاضی برای دانش آموزان دوره متوسطه) ♦ رشد آموزش قرآن ♦ رشد آموزش معارف اسلامی ♦ رشد آموزش زبان و ادب فارسی ♦ رشد آموزش هنر ♦ رشد مشاور مدرسه ♦ رشد آموزش تربیت بدنی ♦ رشد آموزش علوم اجتماعی ♦ رشد آموزش تاریخ ♦ رشد آموزش جغرافیا ♦ رشد آموزش زبان ♦ رشد آموزش ریاضی ♦ رشد آموزش فیزیک ♦ رشد آموزش شیمی ♦ رشد آموزش زیست شناسی ♦ رشد آموزش زمین شناسی ♦ رشد آموزش فنی و حرفه ای ♦ رشد آموزش پیش دبستانی

مجله های رشد عمومی و تخصصی، برای معلمان، مدیران مربیان، مشاوران و کارکنان اجرایی مدارس، دانش جویان مراکز تربیت معلم و رشته های دبیری دانشگاه ها و کارشناسان تعلیم و تربیت تهیه و منتشر می شوند.

♦ نشانی: تهران، خیابان ایرانشهر شمالی، ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش، پلاک ۲۶۶، دفتر انتشارات کمک آموزشی.

♦ تلفن و نمابر: ۰۲۱ - ۸۸۳۰۱۴۷۸



جهاد اقتصادی

برگ اشتراک مجله‌های رشد

نحوه اشتراک:

شما می‌توانید پس از واریز مبلغ اشتراک به شماره حساب ۳۹۶۶۲۰۰۰ بانک تجارت، شعبه همراه آزمایش کد ۳۹۵، در وجه شرکت افست از دوروش زیر، مشترک مجله شوید:

۱. مراجعه به وبگاه مجلات رشد؛ نشانی: www.roshdmag.ir و تکمیل

برگه اشتراک به همراه ثبت مشخصات فیش واریزی.

۲. ارسال اصل فیش بانکی به همراه برگ تکمیل شده اشتراک با پست

سفارشی (کپی فیش را نزد خود نگه‌دارید).

♦ نام مجلات درخواستی:

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

♦ در صورتی که قبلاً مشترک مجله بوده‌اید، شماره اشتراک خود را ذکر کنید:

.....

امضا:

♦ نشانی: تهران، صندوق پستی امور مشترکین: ۱۶۵۹۵/۱۱۱

♦ وبگاه مجلات رشد: www.roshdmag.ir

♦ اشتراک مجله: ۰۲۱-۷۷۳۳۶۶۵۶/۷۷۳۳۵۱۱۰/۷۷۳۳۹۷۱۳-۱۴

♦ هزینه اشتراک یکساله مجلات عمومی (هشت شماره): ۹۶۰۰۰ ریال

♦ هزینه اشتراک یکساله مجلات تخصصی (چهار شماره): ۶۰۰۰۰ ریال



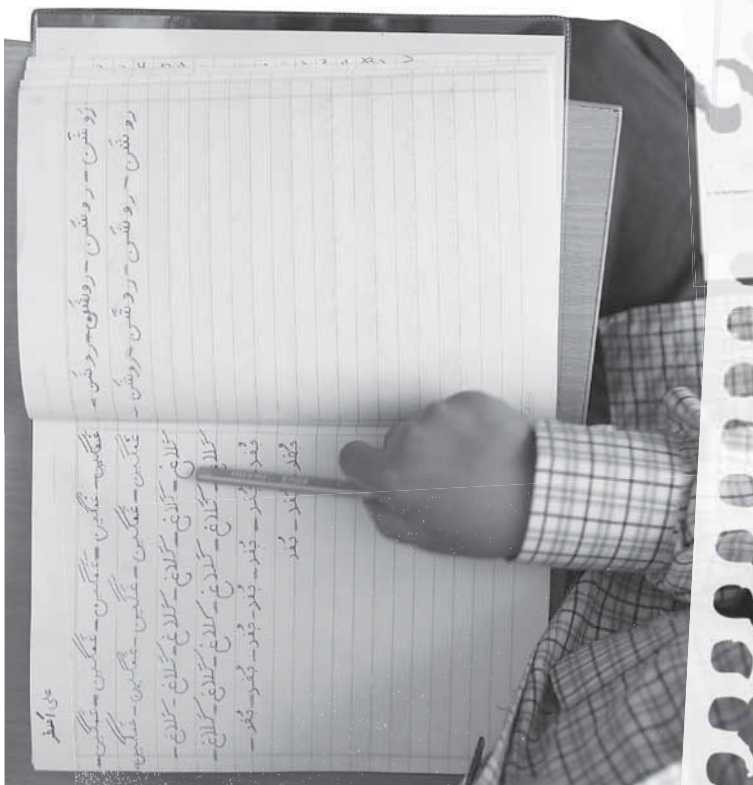
جان ارزش‌یابی کیفی - توصیفی بازخورد

مؤلف و مدرس برنامه‌ی ارزش‌یابی کیفی - توصیفی

بهمن قره‌داغی

اشاره
حدود هشت سال از شروع ارزش‌یابی تحصیلی - تربیتی نوین در دوره‌ی ابتدایی، تحت عنوان ارزش‌یابی کیفی - توصیفی می‌گذرد. گرچه شاید یکی از معدود طرح‌ها و برنامه‌هایی است که دوره‌ی علمی عقلانی و زلالی را طی کرده است، لیکن هنوز با فراز و فرودهایی فراوان دست و پنجه نرم می‌کند. هنوز شاید نتوانسته است در نگرش کل افراد ذی‌نفع تعلیم و تربیت این دوره، تغییرات معناداری را ایجاد کند و آن گونه که نتایج تحقیقات نشان می‌دهند، شاید نتوانسته است اتفاق نظر همگانی را همراه کند. به احتمال قوی یکی از دلایل این کندی تغییر در نگرش، عدم مشارکت رسانه‌های ارتباط جمعی به ویژه تلویزیون بوده است. بهر حال واقعیت این است که این طرح توانسته است انتظارات حداقلی را پاسخ‌گو باشد تا با توجه به مصوبه‌ی شورای محترم عالی آموزش و پرورش به برنامه تبدیل شود. اکنون انتظاری که از اندیشه‌وران هم روزگار داریم این است که، باید هر کسی به قدر دانش خود و ادراک مبانی نظری آن، آستین همت بالا زند و نقش یاری‌گری خود را عینیت بخشد، تا آن چه اتفاق خواهد افتاد از بایسته‌های این برنامه باشد و کسی شاهد از بین رفتن انگارهای خواستنی آن نباشد.

اساسی‌ترین عنصر این برنامه، بازخورد است. در این نوشتار نگارنده با استفاده از دانش و تجربی‌های خویش و منابع موجود و تازه منتشر شده و با تلخیص کتاب «مدیریت بازخورد» (قره‌داغی و شکوهی، ۱۳۸۹)، و با زبانی ساده و قابل کاربست، امیدوار است چراغی فرا راه مجریان روشن کرده باشد.



بازخورد، ابتدا در آموزش و پرورش یا به عبارتی در فرآیند یاددهی - یادگیری مطرح نبوده است بلکه تاریخ بازخورد، ریشه در علم کنترل و ارتباط^۱ دارد و شواهد زیادی نشان می‌دهند که بازخورد در توسعه‌ی بسیاری از مدل‌های سیبرنتیکی و اجتماعی از جایگاه بسیار مهمی برخوردار بوده است (ریچاردسون، ۱۹۹۱).

سیبرنتیک یک مفهوم مرکزی در نظریه‌ی سیستم بوده و دارای مفاهیم استقلال، خود نظم‌دهی و تبادل متقابل می‌باشد که بازخورد، مبنای ساختار آن را تشکیل می‌دهد. در قرن بیستم مطابق با نظر **مایر** (۱۹۷۰) مفهوم بازخورد اساساً همراه با اسم **نوربرت وینر** و ظهور حوزه‌ی سیبرنتیکی پس از جنگ جهانی دوم (۱۹۴۰-۱۹۵۰) طرح شده است. اما قدمت مفهوم عام بازخورد، بسیار طولانی‌تر از این‌هاست و ریشه در یونان باستان دارد.

بازخورد در نظام آموزشی نیز که یک نظام پویای اجتماعی است با توجه به تاریخ کوتاه خود جایگاهی عظیم و رفیع دارد. به تعبیری ابزار اساسی هدایت فرآیند یاددهی - یادگیری است و فعالیتی است که جریان یادگیری را در کلاس عمیق‌تر می‌کند (حسنی، ص ۲۰۹، ۱۳۸۹). در گذشته بازخورد به شیوه‌ی کمی (نمره‌ای) ارائه می‌شد و هر کدام از ما در این ارتباط تجربه‌های تلخ و شیرین فراوان داریم. امروزه و به‌ویژه در ارزش‌یابی کیفی - توصیفی، دیگر از بازخوردهای کمی و حتی رتبه‌ای در فرآیند یادگیری به دلایل زیر استفاده نمی‌شود:

- زبانی قابل فهم برای برقراری ارتباط ندارند.
- تفسیر درستی از موفقیت‌ها و خطاهای دانش‌آموزان ارائه نمی‌کنند.
- به توسعه و بهبود یادگیری دانش‌آموزان کمکی نمی‌کنند.
- دانش‌آموزان با دریافت بازخوردهای کمی و رتبه‌ای، نمی‌دانند چه دانشی را فرا گرفته‌اند یا موفق به اجرای چه مهارتی شده‌اند؟
- دانش‌آموزان از روند و چگونگی تلاش، پیشرفت و موفقیت‌های خود آگاه نمی‌شوند.
- دانش‌آموزان در مهندسی جریان یادگیری، جایگاه خود را به خوبی درک نمی‌کنند و نمی‌دانند که گام بعدی آن‌ها در مسیر یادگیری چیست؟

به جای بازخوردهای کمی و رتبه‌ای، از بازخوردهای توصیفی که به تعبیر نگارنده جان ارزش‌یابی کیفی - توصیفی است و همچنین عاملی است در تحقق اهداف آموزشی و بهبود کیفیت یادگیری، ارتقای سطح کیفی آموزش و عملکرد فراگیران، پل پیوند دهنده‌ی انتظارات برنامه‌ی درسی و تفکرات دانش‌آموزان و مغناطیس توجه باید کمک گرفت.

تعریف بازخورد: از بازخورد، یعنی عنصر جدایی‌ناپذیر جریان یاددهی - یادگیری که با برجسته‌شدن آن، محیط یادگیری - یاددهی، پویا و اثربخش می‌شود (حسنی، ص ۲۲۶، ۱۳۸۹)، تعاریفی چند ارائه شده است. به عنوان نمونه **نوربرت وینر** بازخورد را، روشی

برای کنترل یک سیستم، به‌وسیله‌ی واردکردن مجدد نتایج عملکرد گذشته‌ی سیستم به درون آن می‌داند (به نقل از اسپینک، ص ۳۸۲، ۱۹۹۷).

بازخورد در حوزه‌ی تعلیم و تربیت و در یک تعریف کلی و ساده به معنی «بازگشت دادن» نتیجه‌ی عملکردهای دانش‌آموزان توسط محیط (معلم - فراگیرندگان و خود فراگیرنده) به دانش‌آموز می‌باشد و در مفهوم خاص، عبارت است از انعکاس یا ارائه‌ی نظر و عکس‌العمل یا نظر و واکنش معلم نسبت به وضعیت یادگیری دانش‌آموز که به شکل کتبی و شفاهی (کلامی) شامل صحبت‌ها و جمله‌های توصیفی منظوم و منثور معلم است و در هر مرحله از فرآیند یاددهی - یادگیری از آن‌ها استفاده می‌شود. این در واقع همان داوری‌های شناختی، فراشناختی و عاطفی معلم است که دانش‌آموز با دریافت به‌نگام آن‌ها، اطلاعاتی درباره‌ی میزان پیشرفت و موقعیت خود به دست می‌آورد و در مسیر بهبود عملکرد خویش از آن‌ها یاری می‌گیرد (قره‌داغی، ص ۱۱۸، ۱۳۸۸).

انواع بازخورد

پرواضح است که بازخورد باید به سه پرسش مهم کجا می‌رویم؟ (هدف چیست؟)، چگونه می‌رویم؟ و قدم بعدی چیست؟ (رستگار، ص ۸، ۱۳۸۹) پاسخ‌گو باشد. بر این اساس در منابع موجود در ارتباط با ارزش‌یابی، بازخورد را با انواعی تقسیم کرده‌اند. به عنوان نمونه از منظر ابزار ارتباطی آن را به کتبی و شفاهی، از منظر محتوا به شناختی - عاطفی و فراشناختی، از منظر منبع به معلم، والدین، همکلاسی‌ها و دانش‌آموز و بالاخره از منظر زمان به فرآیندی و پایانی و یا دو نوع کمی (نمره‌ای) و توصیفی و یا بازخوردهای ملاک - وابسته و ملاک - آزاد؛

تقسیم کرده‌اند. تجربه‌ی برگزاری کارگاه‌های متعدد و تعامل چهره به چهره با همکاران معلم، حکایت از آن دارد که این نوع تقسیم‌بندی‌ها، گرچه مناسب و هم‌سو با مبانی نظری است و شاید به ظاهر، فهم آن را ساده گرداند؛ اما واقعیت این است که در شرایط و جغرافیای دانشی موجود و در فضای کلاسی معلم، تقسیمات گوناگون از بازخورد، تنها به فهم و کاربست مؤثر آن لطمه وارد می‌سازد. بنابراین به زعم نگارنده انواع بازخورد عبارتند از:

الف) بازخورد فرآیندی کلاسی

ب) بازخورد پایانی

الف) بازخورد فرآیندی (کلاسی)

بازخوردهای فرآیندی، همان بازخوردهای توصیفی - شناختی و فراشناختی است که معلم به منظور بهبود روش‌ها و نحوه‌ی یادگیری و

بازخورد، در حوزه‌ی تعلیم و تربیت و در یک تعریف کلی و ساده به معنی «بازگشت دادن» نتیجه‌ی عملکردهای دانش‌آموزان توسط محیط (معلم - فراگیرندگان و خود فراگیرنده) به دانش‌آموز است

آگاه شدن دانش‌آموز از قوت‌ها و ضعف‌های یادگیری مطالب و مباحث درس‌های گوناگون به دانش‌آموز ارائه می‌کند و دانش‌آموز با استفاده از این بازخوردهای پیوسته، به صورتی هدفمند، متنوع، توصیفی، ساده و قابل فهم پی می‌برد که در چه وضعیتی قرار دارد و چه فعالیت‌هایی را باید انجام دهد؟ (قره‌داغی، ص ۱۸، ۱۳۸۸). به عبارتی دیگر، بازخوردها باید به گونه‌ای باشد که کودک آن‌ها را درک کند و در او انگیزش لازم را به وجود آورد. یعنی هم‌سو با دانش و تجربه‌های قبلی و انگیزه‌های شخصی دانش‌آموز باشد (رستگار، ۱۳۸۹). لذا معلم با در نظر داشتن اهداف یادگیری و با توجه به سن و سطح درک دانش‌آموز و اوضاع و شرایط خاص روحی و روانی و نوع عملکرد دانش‌آموز، با استفاده از بازخورد، او را به نتیجه‌ی عملکرد خود آگاه می‌سازد. بازخوردی که نقش غذای رشد دهنده را دارد؛ بدان معنا که دریافت آن توسط یادگیرنده، او را یک گام به جلو پیش می‌راند.

یادگیرنده تا احساس خوبی نسبت به خویش نداشته باشد، موفقیت‌های خود را نشناسد و با تصویر گرفتن و مرور آن‌ها، دل‌گرم و انگیزه‌مند نشود، به انجام فعالیت‌های موردنظر معلم راغب نخواهد شد. براین اساس در بازخوردها، ابتدا باید سعی کنیم اعتمادبه‌نفس، حس لیاقت و داشتن کفایت را در آن‌ها رشد دهیم. یعنی جملاتی به کار بگیریم که تأثیر مثبت خود را بر روان دانش‌آموز بگذارد. برای این منظور بازخوردهای معلم باید خالصانه و صادقانه بیان شوند. اگر

دانش‌آموز احساس کند بازخوردها توأم با ریاکاری و عبارات غیرواقعی است، باید پذیرفت که معلم ندانسته، با این عمل دیواری شده فراروی رشد و پیشرفت دانش‌آموز. به عنوان مثال اگر دانش‌آموزی متوجه شود که معلم جمله‌ی «گلم! خوشگلم! عزیزم! کارت خیلی خوب است» را کلی، مبهم و به شکلی غیرارادی و بدون هرگونه احساس واقعی بر زبان آورده است، نه تنها در او انگیزشی را بیدار نخواهد کرد بلکه او را دچار ناراحتی و ناامیدی شدید نیز خواهد کرد. دانش‌آموز در این مواقع فکر می‌کند که معلم از موفقیت‌های او خوشحال نشده و به او توجهی ندارد. بنابراین برای این که بدانیم چه بازخوردی مناسب است و چگونه بازخورد مناسب ارائه دهیم؟ بازخوردهای فرآیندی را از سه زاویه‌ی

خاص معرفی و بررسی می‌کنیم:

الف) بازخوردهای فرآیندی مجاز

ب) بازخوردهای مجاز با احتیاط لازم

ج) بازخوردهای غیرمجاز

آن‌چه باید پیش از پرداختن به گونه‌های بازخورد مدنظر قرار داد این است که بازخورد مناسب، بازخوردی است که با در نظر داشتن دانش‌آموز و براساس اصل نه کم، نه زیاد؛ فقط در حد لازم باشد (رستگار، ۱۳۸۹).

بازخوردهای فرآیندی مجاز

بازخوردهای فرآیندی مجاز عبارتند از هر بازخوردی که، ضمن اینکه بر صفات اکتسابی (و نه صفات فطری) یادگیرنده متمرکز است؛ خواندن، شنیدن و حس کردن آن برای دانش‌آموز انگیزنده باشد. این دسته از بازخوردها که براساس اصول علمی و شناخت دانش‌آموز و با اهداف افزایش توان خودکار آن‌ها ارائه می‌گردد، هم‌چون غذای رشد دهنده، عزت‌نفس و اعتماد به نفس و خودباوری و انگیزش لازم برای حرکت و تلاش در دانش‌آموزان را فراهم می‌گرداند.

بازخوردهای مجاز به پیشرفت‌ها و نقاط قوت دانش‌آموز تأکید دارند و معلم به کوچک‌ترین پیشرفت و قوت دانش‌آموز توجه کرده، او را تشویق می‌کند. به ویژه این شیوه برای دانش‌آموزان ضعیف نقش معجزه‌آسایی را داراست. مثلاً دانش‌آموزی که به تعبیری عام، شلوغ است و همواره مزاحمتی برای کلاس دارد، همین که در انجام تکلیفی هنجار کلاس را رعایت کرد، معلم نباید از این فرصت غفلت کند و سریع و به هنگام بازخورد دهد که «آفرین پسرم! چه خوب و آرام تکلیفت را انجام می‌دهی، منو خوشحال کردی». این دقت و ریزبینی معلم به دانش‌آموز می‌فهماند که این نوع رفتار چقدر قابل توجه است. برای این که این رفتار در کودک بماند و تقویت شود، آموزگار باید این رفتار دانش‌آموز را برای دیگران نیز بازگو کند.

این نوع بازخوردها سه ویژگی مهم را دارا هستند:

۱. در آن‌ها پیشرفت و نقاط قوت دانش‌آموز، بزرگ‌نمایی می‌شود.

۲. نقاط ضعف دانش‌آموزان، با احتیاط بیان می‌شود.

۳. رهنمودهای عملی متناسب با تفاوت‌های فردی دانش‌آموز، ارائه می‌گردد.

هر فعالیتی آن‌ها را تکرار می‌کند. به عنوان مثال معلم در هر فعالیتی به دانش‌آموز بازخورد می‌دهد که:

- فرشته‌ی بهشتی، املا رو خوب نوشتی.
- فرشته‌ی بهشتی، تمرین رو خوب نوشتی.
- انار دونه‌دونه، مشقت شده نمونه.
- سبد سبد گل یاس، دست خط تو چه زیباست.
- پی‌برده‌ام به رازی، زیبا جمله می‌سازی.

حسنی (ص ۲۲۴، ۱۳۸۹) به این بازخوردها که به اعتقاد وی اخیراً در بیان معلمان رایج شده است، بازخورد موزون می‌گوید و معتقد است که این بازخوردها کامل نیستند و در کاربرد آن‌ها نباید افراط کرد. بدین معنا که هیچ‌گاه، هیچ بازخوردی نباید به کلیشه تبدیل شود. بازخوردهای صرفاً انگیزشی باید در شرایطی به دانش‌آموز ارائه شود که آن‌ها دارای مشکل و مسئله‌ی خاصی نبوده و نیازمند ارائه‌ی رهنمود نشوند. اکثر عبارات منظوم را می‌توان در این گروه از بازخوردهای تشویقی قرار داد.

بازخوردهای فرآیندی غیرمجاز

بازخوردهای فرآیندی غیرمجاز به دو دسته تقسیم می‌شوند. نخست این که برخی از آموزگاران به اشتباه روی تکالیف و آزمون‌های دانش‌آموزان به جای بازخوردهای توصیفی قابل فهم از مقیاس‌های رتبه‌ای مانند: در حد انتظار و نزدیک به انتظار، نیاز به تلاش و آموزش بیشتر یا خیلی خوب، خوب، قابل قبول و نیاز به تلاش و آموزش بیشتر و... استفاده می‌کنند. پیداست استفاده از این مقیاس‌ها جز در گزارش پیشرفت تحصیلی (کارنامه) و ابزارهای سنجش مشاهده‌ای، غیرمجاز می‌باشد. دوم آن دسته از بازخوردها را غیرمجاز گویند که منجر به ایجاد نگرش منفی و تنفر از مدرسه و باور به ناتوانی در دانش‌آموزان شود یا شنیدن و خواندن آن‌ها تهدیدآمیز جلوه کند. به عنوان نمونه در این گروه از بازخوردها، واژگان «نمی‌توانی، همیشه اشتباه می‌کنی، قادر نیستی، تو هیچ‌وقت نمی‌توانی، چرا نمی‌توانی مثل..... باشی؟ چرا این قدر زشت نوشته‌ای، بار آخرت باشد که.....»، روح دانش‌آموز را در خود مچاله می‌کنند. زیرا هر یک از واژگان، نوعی برچسب زدن و نسبت دادن صفتی منفی به کودک است و او باور می‌کند که واقعاً دارای عیب و نقصی است و نمی‌تواند آن را برطرف کند. در نتیجه اعتماد به نفس و انگیزه‌ی وی برای جبران ضعف درسیش از بین می‌رود.

مثال:

- دخترم املا می‌درس... را خوب نوشته‌ای. برای برطرف شدن چند اشکال املا از روی خط اول تا چهارم درس، یک‌بار با دقت بنویس. تشدید کلمات را با مداد رنگی بنویس.
- از املاهایی که نوشته‌ای، راضی هستم. برای بهتر شدن املاهای بعدی، با کلمات جمله بساز.
- از این که هر بار با دقت بیشتر تکالیف خود را انجام می‌دهید، خیلی خوشحال می‌شوم.
- کارهای شما نشان می‌دهد که در در حال پیشرفت هستید

بازخوردهای فرآیندی مجاز با احتیاط لازم

بازخوردهای فرآیندی مجاز با احتیاط لازم را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد. نخست بازخوردهایی است که توسط آن معلم با آگاهی و دانش لازم، نقاط ضعف دانش‌آموز را می‌شناسد و به زبانی ساده و قابل فهم، راهنمایی‌های لازم را به او ارائه می‌کند، لیکن توانمندی‌های دانش‌آموز را چندان که در شیوه‌ی قبل توجه می‌کرد؛ مدنظر قرار نمی‌دهد. اگر هم به آن‌ها توجهی داشته باشد، بسیار کم‌رنگ است و به عبارتی به نقش معجزه‌آسای تشویق «توانستن»‌های دانش‌آموز چندان توجهی ندارد. بجاست که همکاران ارج‌مند باور کنند که هر تشویقی، پاسخی است به نیاز طبیعی و روانی کودک، که دریافت آن در دانش‌آموز احساس ارزشمند بودن و اعتمادبه‌نفس داشتن را به وجود می‌آورد و برخلاف تنبیه که از عوامل بازدارنده است، به عنوان عاملی ترغیب‌کننده به انسان نیرو می‌دهد. وقتی کودک را تشویق می‌کنیم، فرصتی فراهم می‌شود تا کودک به توانایی، ظرفیت و ارزشمندی‌های خود پی ببرد و در نتیجه تصویر مثبت و ارزنده‌ای از خود در ذهنش ایجاد شود که بعدها شکل‌دهنده‌ی حرمت نفس او خواهد بود.

مثال:

- ❖ نیازمند آن است که
- ❖ در زمینه‌ی به تقویت نیاز داری.
- ❖ به نظر می‌رسد در مشکل داری.
- ❖ در نوشتن کلمات دندانه‌دار اشکال داری. دندانه‌ها را بشمار و بعد کلمه را بنویس.

دوم بازخوردهایی که در گروه بازخوردهای مجاز قرار دارند، اما آموزگار بدون توجه به جغرافیای بیان و بی‌آن که بررسی کند که این بازخورد قدرت و توان انگیزشی لازم را با خود همراه دارد، پیوسته در

ادامه‌ی این مقاله را به همراه منابع مورد استفاده توسط مؤلف، در شماره‌ی آینده بخوانید.

طرح درسی ساده برای آموزش محیط زیست

زری آقاجانی

اشاره

تاکنون در دو بخش سلسله مطالب «فقط یک زمین داریم» را خوانده‌اید. در شماره‌های پیش، علاوه بر طرح کلیات موضوع، نکاتی هم درباره‌ی یاددهی - یادگیری فعال در آموزش محیط زیست با نیم‌نگاهی راجع به هوش‌های چندگانه بیان شد. در این شماره، براساس مطالبی که پیش از این گفته شده است، طرح درس ساده‌ای در زمینه‌ی آموزش‌های محیط زیست در دبستان ارائه می‌شود.



آخر شیوه‌ی عمل باید با توجه به روش تدریس اتخاذ شود. در شیوه‌های آموزشی فعال، نحوه‌ی ارزش‌یابی به صورت مستمر است و در طی فرآیند یاددهی - یادگیری توسط معلم مشاهده‌گر و دقیق انجام می‌شود. پس در یک نگاه، چارچوب کلی طرح درس شامل موارد زیر است:

* موضوع

* پایه

* هدف

* روش

* زمان

* مواد و وسایل مورد نیاز.

از آن جایی که آموزش محیط زیست، موضوعی نسبتاً جدید در آموزش و پرورش است، لازم است که طرح درسی برای الگوبرداری آموزگاران عزیز در نظر گرفته شود. البته ناگفته نماند از آن جایی که کشور ما ایران، دارای مناطق آب‌وهوایی متفاوتی است، این یک طرح کلی است و آموزگاران با توجه به مسائل اقلیمی خود می‌توانند طرح درس‌های مناسب‌تری به کار گیرند.

ابتدا لازم است چهارچوب طرح درس به اجمال بررسی گردد. البته برای همه‌گیر بودن اطلاعات، در این جا صرفاً یک طرح درس ساده بررسی می‌شود. طرح درس، نقشه‌ای است که معلم به منظور یادگیری مؤثر شاگردانش تنظیم می‌کند. معمولاً به دو شیوه طرح درس انجام می‌دهند، یکی ذهنی و دیگری مکتوب. اگرچه قطعیتی برای برتری یکی بر دیگری وجود ندارد، اما معمولاً طرح درس مکتوب بیشتر توصیه می‌شود. از آن جایی که طرح درس نویسی‌های متعدد، وقت زیادی از آموزگاران می‌گیرد، بهتر است طرح درس روزانه تهیه شود.

برای شکل‌گیری طرح درس، معلم می‌بایستی به هدف خود فکر کند و بعد محتوای درس را در نظر بگیرد که خوش‌بختانه در محدوده‌ی کتاب‌های درسی دغدغه‌ای وجود ندارد، زیرا محتوا! همان مطالب کتاب درسی است. در مرحله‌ی بعد، باید روش تدریس مناسب اتخاذ شود. سپس زمان، مواد و وسایل لازم برای یادگیری در نظر گرفته شود و در

نمونه‌ی طرح درس

موضوع: محیط زیست (آب)

پایه: سوم دبستان

هدف: آشنایی کودکان با منابع آب، عوامل آلودگی و حفظ آن.

روش: تلفیقی

زمان: یک هفته

مواد و وسایل لازم: فیلم، نقشه، تلویزیون، عکس، روزنامه،

چسب، پاک‌کن، مداد رنگی، کتاب داستان

شرح: مقدمه‌ای درباره‌ی محیط زیست و منابع آن برای شاگردان بیان شود و بعد از آن سؤالاتی عنوان شود تا درصد اطلاعات آنان نیز برآورد شود. از آنان در مقابل وظایفشان در حفاظت از محیط زیست و منابع آن سؤال شود و خواسته شود تا درباره‌ی موضوع فکر کنند. از آنان خواسته شود تا عکس و پوستر و یا مطالبی در این زمینه تهیه کنند. با



طرح درس نقشه‌ای است که معلم به منظور یادگیری مؤثر شاگردانش تنظیم می‌کند

* زندگی بدون آب چگونه خواهد بود؟
 * تعداد رودها و دریاهای کشور ایران
 * رنگ آب و بوی آب و مزه‌ی آب و شکل آن
 * کمک‌های مؤثر دولت و مردم در حفظ آب.
 از آن جایی که شاگردان هشت و نه ساله هستند، می‌بایست در روش تدریس انگیزه و رغبت آنان را برانگیخت تا همکاری کنند.
 برای این که کودکان خسته نشوند، زمان آموزش را تقسیم کنید.
 هر روز می‌توانید ۱۵ تا ۲۰ دقیقه را برای آن در نظر بگیرید. غفلت نکنید که بازی و نمایش، داستان و قصه، نقاشی و کاردستی نقشی بسیار مهم در رغبت‌انگیز بودن آموزش در این گروه سنی دارد.
 سعی کنید کاردستی و انجام کارهای هنری را با وسایل ارزان و دورریختنی طراحی کنید.
 با برنامه‌ریزی قبلی مقدمات آموزش را مهیا کنید تا درست شب قبل از کلاس، کودکان به تهیه‌ی وسایل لازم مجبور نشوند.
 یادتان باشد که اگر قرار است برنامه‌ی درسی را به عنوان زندگی در همه‌ی مظاهر آن در نظر بگیریم، باید کلاس درس را نیز مانند خانه، جامعه و جهان تصور کنیم.

توجه به توانایی هر شاگرد (هوش‌های چندگانه)، مسئولیتی به هر کدام داده شود تا تحقیق کرده، در کلاس ارائه دهند.
 با توجه به آن چه که آنان در کتاب «علوم» درباره‌ی منابع آب و دریاها خوانده‌اند، آمادگی بسیار خوبی برای شرکت در یادگیری دارند، پس از آنان درباره‌ی موارد زیر پرسش کنید:

- * منابع آب
- * چرخه‌ی آب (آیا ثابت است و یا کم یا زیاد می‌شود؟)
- * مقدار آب در کره‌ی زمین
- * تأثیر آب در زندگی جان‌داران (گیاه، حیوان و انسان)
- * عوامل آلوده‌کننده‌ی آب‌ها در شهرها، روستاها و دریاها
- * انواع آب‌ها (جاری، زیرزمینی، قنات، چشمه‌ها و چاه)
- * راه‌های حفظ پاکیزگی آب
- * مناطق کم‌آب، بی‌آب، پرآب
- * شرایط کشور ایران از نظر کم‌آبی یا بی‌آبی
- * راه‌های مصرف درست آب و صرفه‌جویی آن در خانه و در مدرسه
- * اثر آلودگی آب بر زندگی جان‌داران (گیاه، حیوان، انسان)
- * مشکلات بی‌آبی و آب آلوده

بیایید برای حفظ محیط‌زیست شهری، کشوری و جهانی بیندیشیم



کسی روان تر می خواند؟

گفت‌وگو با حوریه رضوانی، معاون آموزش ابتدایی استان گلستان

جشنواره‌ی روان‌خوانی دانش‌آموزان دوره‌ی ابتدایی در طول سال تحصیلی ۹۰-۱۳۸۹ در استان گلستان برگزار شد. مسئولان آموزش ابتدایی استان گلستان با انجام بررسی‌هایی دریافتند که دانش‌آموزان دوره‌ی ابتدایی در بعضی درس‌ها هم‌چون «ریاضی» و «علوم» مشکل دارند. بررسی‌های دقیق‌تر نشان داد که مشکل اصلی گروهی از دانش‌آموزان این است که نمی‌توانند سؤال را خوب بخوانند و مفهوم آن را دریابند. این معضل، احساس نیاز به برگزاری جشنواره‌ی روان‌خوانی را ایجاد کرد تا به‌واسطه‌ی ترویج و تقویت فرهنگ روان‌خوانی و مطالعه، به رفع این مشکل اقدام کنند.

حوریه رضوانی، معاون آموزش ابتدایی استان گلستان در گفت‌وگو با خبرنگار ما گفت: «با توجه به این که یکی از اولویت‌های مسئولان استان، ایجاد انگیزه برای مطالعه‌ی مجلات رشد و به‌خصوص رشد کودک برای دانش‌آموزان ابتدایی است، تصمیم بر آن شد تا با تعیین مجلات رشد به عنوان یکی از منابع جشنواره، به تثبیت جایگاه این مجله به عنوان یک منبع آموزشی کمک شود. با این دیدگاه جشنواره‌ی روان‌خوانی در سه مرحله‌ی آموزشگاهی، شهرستانی و استانی بین دانش‌آموزان دوره‌ی ابتدایی سراسر استان گلستان ترتیب داده شد. متن و موضوع مسابقه، از ۵۰ درصد مجلات رشد کودک، ۳۰ درصد متن کتاب‌های درسی و ۲۰ درصد از دیگر منابع انتخاب شد و جشنواره با استقبال گسترده‌ی دانش‌آموزان برگزار شد.»

وی افزود: «هدف از برگزاری این مسابقات جذب حداکثری شرکت‌کنندگان تعیین شده بود، بنابراین نفرت برتر به عنوان اول تا سوم انتخاب نشدند، بلکه سهمیه‌ی هر شهرستان با توجه به جمعیت دانش‌آموزی آن مشخص شد. مدارس دخترانه و پسرانه و نیز مدارس دولتی و غیردولتی هر کدام به‌طور جداگانه سهمیه دریافت کردند و در نهایت به‌طور میانگین از هر شهرستان ۱۰ نفر به مسابقات استانی راه یافتند.»

مسئولان استان بازخورد این جشنواره را بسیار مثبت ارزیابی می‌کنند و معتقدند علاوه بر این که آموزگاران مدارس از نتیجه‌ی جشنواره اظهار خرسندی کرده‌اند، خانواده‌ها نیز از برگزاری جشنواره احساس رضایت می‌کنند.

حوریه رضوانی، بر این باور است که جشنواره باعث شده است تا دانش‌آموزان دوره‌ی ابتدایی به‌طور مداوم در منزل به دنبال مطالبی برای خواندن باشند. تمام مجلات و روزنامه‌های منزل را مطالعه کنند و جالب‌تر این که خانواده‌ها نیز ترغیب شده‌اند که مجلات و مطالب متفرقه‌ای تهیه کنند و هم خود آن‌ها را بخوانند و هم در اختیار فرزندانشان قرار دهند. به این ترتیب جنب و جوشی باطراوت برای مطالعه در استان گلستان ایجاد شده است. هم‌چنین معاون آموزش ابتدایی گلستان پیشنهاد کرد که این طرح در سطح ملی اجرا شود تا دانش‌آموزانی با سن کم، در سطح ملی با یکدیگر به رقابت بپردازند و تب و تاب مطالعه دانش‌آموزان دوره‌ی ابتدایی سراسر کشور را فراگیرد.

گزارش‌گر: فاطمه خرقانیان

تجرباتی

آموزش ابتدایی
دوره ۱۵ - شماره ۳

اشتباه مرا تکرار نکنید! ۱۸ / ناهید کوچکی میدی
هنرمندی با کاغذهای رنگی مچاله شده! ۱۹ / فروغ حسینی پوربیهانی
توسعه‌ی سواد خواندن و هفت خوان رستم ۲۰ / افسانه رضوی
سرمه‌ادم درد می‌کند! ۲۴ / سعیده اصلاحی
ش.ی.م. ۲۶ / فریدا هاشمی محمدی
مامان سوم! ۲۶ / زهرا دورانی
همیار سبز ۲۷ / سعید عبداللہی پیرداغ
عمان عطا این علقبا ۲۸ / حکیمه بلوری
تشکر با زبان کودکی ۲۹ / پروانه شبان‌پور
چهار گوشه، نه چهار گوش ۲۹ / قاسم سجادی
بهره‌گیری از جدول کلمات پراکنده ۳۰ / محمدرضا احمدی
دو روش ساده برای آموزش نوشتن ۳۲ / زهرا مبارکی

آذرماه سال تحصیلی ۹۱-۱۳۹۰

تجرباتی

اشتباه مرا تکرار نکنید!

ناهید کوچکی میبیدی

آموزگار پایه‌ی اول دبستان حاجیه مریم فیاضی، میبد



چندی پیش در اواسط سال تحصیلی پس از مدتی، متوجه شدم که یکی از دانش‌آموزانم مدام با ترس و اضطراب به مدرسه می‌آید و برگه‌های تمرینی هر ماه درس‌ها را جواب می‌دهد. با توجه به شناختی که از وی داشتیم و استعدادی که در او می‌دیدم، این فعالیت قابل قبول نبود. یک روز بالاخره او اسم امتحان را به میان آورد و گفت: «خانم معلم، مگه امروز ما امتحان نداریم؟»

گفتم: «نه، چطور مگه؟ ما هیچ‌وقت امتحان نداشتیم و نداریم. این برگه‌های تمرین همیشگی را میگی؟»، گفت: «بله». گفتم: «ما که امتحان نداریم، این برگه‌ها فقط برای تمرین و یاد گرفتن است و نه امتحان». بعد از کمی صحبت، آرام شد و با خیال راحت و آرامش خاطر رفت، نشست و به سؤالات به درستی و با سرعت پاسخ گفت.

بعد از آن روز وقتی بیشتر پی گیر قضیه شدم، فهمیدم که مادر این دانش‌آموز چون نمی‌دانسته است که طرح توصیفی در حال اجرا شدن است، فکر می‌کرده است که هر ماه درس‌ها را ما امتحان می‌گیریم، اسم امتحان را می‌آورد و مکرر به دانش‌آموز می‌گفته است: «باید امتحان را بخواند و امتحان دارد». بنابراین دانش‌آموز با ترس و اضطراب روبه‌رو می‌شده است. در نتیجه پس از این ماجرا اولیا و دانش‌آموزان را نسبت به طرح جدید توجیه کردم و این کار باعث شد که دیگر ترس و اضطراب سراغ این دانش‌آموز و سایر دانش‌آموزان نیاید و تمام نیروی خود را روی نشان دادن استعدادهایشان بگذارند. از همکارانم استعدا دارم اشتباه مرا تکرار نکنند و از همان ابتدای کار، اطلاع‌رسانی به اولیا را سرلوحه‌ی اقدامات خود قرار دهند.



هنرمندی با کاغذهای رنگی مچاله شده!

فروغ حسینی پور بهبهانی

آموزگار دبستان شهید نهایی ۱، بهبهان

یکی از درس‌هایی که کودکان می‌توانند در قالب آن، احساسات درونی خود را به خوبی نشان دهند، هنر است. از آنجایی که دست‌ورزی یکی از عوامل مؤثر بر رشد جسمی کودکان است و نیز به جهت تنوع‌بخشی به این درس تصمیم گرفتیم با کمک بچه‌ها تابلوی برجسته‌ای برای نصب در کلاس و سالن تهیه کنیم. برای همین از بچه‌ها خواستیم تا آن روز همراه خود در کلاس هنر کاغذهای رنگی داشته باشند. در این رنگ از آن‌ها خواسته شد تا نقاشی‌های خود را در برگه‌ی A۴ کشیده، سپس کاغذهای رنگی را تکه‌تکه و مچاله کنند و هر قسمت از طرح خود را به جای رنگ کردن و یا حتی در صورت تمایل بعد از رنگ‌آمیزی با تکه‌های مچاله شده حجم دهند و با چسب بچسبانند. در پایان هم تابلوهای زیبای بچه‌ها در کلاس و سالن مدرسه نصب شد تا دیگر دانش‌آموزان نیز از دیدن آن‌ها لذت ببرند و این خلاقیت را نیز تجربه کنند که البته با استقبال خوب دانش‌آموزان، سایر آموزگاران و مدیر محترم آموزشگاه نیز مواجه شد. این کار آن قدر در زنگ هنر برای بچه‌ها جالب بود که از من خواستند در جلسات بعد هم این کار ادامه یابد. به این ترتیب دانش‌آموزان در این درس به یکی از هدف‌های ارزش‌یابی توصیفی که کسب تجربه‌های جدید است، دست یافتند.



توسعه‌ی سواد خواندن و هفت خوان رستم

بخش اول: سرآغاز و خوان‌های اول تا چهارم

افسانه رضوی

آموزگار دبستان ولی‌عصر (عج)، منطقه ۳ تهران

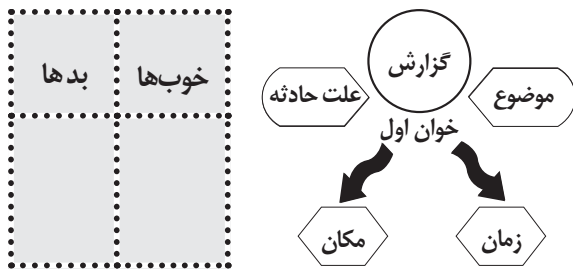
اشاره

چندین سال است که در مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی، راهکارهای ابتکاری پژوهش‌گران و آموزگاران را در زمینه‌ی توسعه‌ی سواد خواندن منتشر می‌کنیم. در سه سال گذشته سلسله مطالبی به قلم سردبیر مجله منتشر می‌شد که اکنون همه‌ی آن مطالب، در قالب کتاب‌های مستقل ۳ گانه‌ای با نام‌های «آزوپ در کلاس درس»، «لافونتن در کلاس درس» و «بیدپا در کلاس درس» به چاپ رسیده‌اند. بسیاری از آموزگاران، با استفاده از الگوهای طرح شده در این کتاب‌ها، متن‌های دیگری از ادبیات کهن ایران را دست‌مایه‌ی خود قرار داده، به فعالیت‌های دیگری در حوزه‌ی توسعه‌ی سواد خواندن و نوشتن سامان داده‌اند. یکی از این افراد، خانم افسانه رضوی، آموزگار خوش‌ذوق و پیش‌کسوت منطقه‌ی ۳ تهران است که پس از بهره‌گرفتن از داستان‌های مولوی، اکنون نبردهای هفت‌گانه‌ی رستم در اثر سترگ فردوسی، «شاهنامه» را به ابزاری آموزشی در زمینه‌ی توسعه‌ی سواد خواندن تبدیل کرده است. مطالب خانم رضوی را در دو بخش چاپ خواهیم کرد. بخش نخست به سرآغاز و خوان‌های اول تا چهارم اختصاص دارد و در بخش دوم با ماجراهای خوان‌های پنجم تا هفتم روبه‌رو می‌شویم. امیدواریم ابتکار این آموزگار محترم مورد توجه و استفاده‌ی شما قرار گیرد.

سرآغاز

تدریس در سال‌های متمادی سبب شد، تجربه‌ی خوبی از اهمیت کتاب‌خوانی و ترویج آن در میان دانش‌آموزان به‌دست آورم. نتیجه‌ی این امر بدیهی‌راه به مرور زمان در رشد کلامی و حجم دایره‌ی لغات دانش‌آموزان خود، به وضوح مشاهده کرده‌ام. در راستای تشویق آنان به سمت مطالعه، شکل صحیح کلمات





۲. با پرس و جو و پژوهش به سؤال‌های زیر جواب دهید.
الف) پهلوان دیگری از شاهنامه را که برای نابودی دشمن، از هفت خوان گذشت، نام ببرید.

ب) کی کاووس چگونه به آسمان رفت؟
پ) رستم چگونه اسب خود (رخش) را انتخاب کرد؟
۳. در داستان خوان اول خواندید، شیر عصبانی شد و به رخس حمله کرد.

شما داستان را عوض کنید و متن را طوری بنویسید که شیر به آرامی به رخس نزدیک شد.

در آن صورت سرنوشت شیر را حدس بزنید و داستان را کامل کنید.
۴. با مراجعه به کتاب «امثال و حکم» دهخدا، یا پرسش از بزرگ‌ترها درباره‌ی اصطلاح «با دم شیر بازی کردن» تحقیق کنید.
۵. درباره‌ی نژاد گورخر ایرانی پژوهش کنید.

فعالیت‌های ویژه برای آموزگاران (این فعالیت‌ها مخصوص همه‌ی خوان‌هاست)

- از دانش‌آموزان خود بخواهید این خوان و دیگر خوان‌های شاهنامه را به سبک شاهنامه‌خوانی در کلاس بخوانند.
- بچه‌ها به‌ویژه دانش‌آموزان پایه‌های چهارم و پنجم، با مراجعه به اصل شاهنامه، شعرهایی را که مربوط به آن خوان است، به کلاس بیاورند و برای دوستان خود بخوانند.

نبرد رستم در خوان دوم

وقتی خورشید، زمین را با نور خود روشن کرد، رستم از خواب برخاست. او سوار رخس شد و به طرف مازندران حرکت کرد. رستم رفت و رفت، اما هرچه جلوتر می‌رفت، اثری از آب نمی‌دید. بیابان خشک، خار فراوان و آفتاب سوزان بود. جهان پهلوان از خستگی و تشنگی بی‌تاب شده بود. از اسب، روی خاک داغ بیابان افتاد. او نمی‌توانست باور کند که در مقابل گرما و تشنگی، تا این اندازه خرد و خوار شده است. در همین هنگام، گوسفند ماده‌ای از برابر او گذشت. رستم فکری کرد و با خود گفت: «این نزدیکی‌ها باید چشمه‌ی آبی باشد و گر نه این حیوان در این‌جا پیدا نمی‌شد. معلوم می‌شود که این خواست خداست.»

در ذهن‌شان نقش می‌بندد. در این صورت خودبه‌خود، روش درست نوشتن را به شیوه‌ی کاملی خواهند آموخت.

خواندن کتاب‌های داستان مربوط به هر سرزمین، برای تربیت و شکل‌گیری شخصیتی مطابق با فرهنگ آن قوم، مناسب است و باعث می‌شود که هویت فرهنگی و ارزش‌های اخلاقی سرزمین خود را بشناسند. از همین گذر، با پیشرفت‌های علمی و فرهنگی، خصلت‌های پسندیده و نیکوی سرزمین‌شان در آن‌ها درونی می‌شود. از رفتارهای ناشایست شخصیت‌های منفی داستان به اشتباهات رفتاری خود پی می‌برند و از آن دوری می‌کنند. با گزینش داستان‌هایی از «گلستان» و «بوستان» سعدی، «شاهنامه»ی فردوسی، «مثنوی» مولوی، «مرزبان‌نامه»ی سعدالدین وراوینی و دیگران، آن‌ها را در یک متن ساده‌نویسی کردم و در آن واژه‌ها و تمرین‌های مدنظر را گنجاندم، تا همراه با مطالعه‌ی گروهی در کلاس، تمرین خواسته شده را نیز انجام دهند. در این صورت با اجتناب از یک نواختی املا و انشای سنتی، هدف‌های کتاب‌خوانی نیز در آن تحقق می‌یابد. آن‌چه در این بخش و شماره‌ی بعدی مجله تقدیم حضورتان می‌شود، نبردهای هفت‌گانه‌ی رستم در شاهنامه است که امیددارم مقبول نظرتان واقع شود.

نبرد رستم در خوان اول

کی کاووس، پادشاه ایران زمین، به مازندران لشکر کشید. او می‌خواست مازندران را از چنگ دیوان آزاد کند، اما شکست خورد و در دام دیو سپید گرفتار شد. رستم برای نجات کی کاووس، به مازندران رفت. او در این راه، با هفت مانع سخت برخورد کرد و همه را از سر راه خود برداشت. این هفت مانع، هفت‌خوان رستم نام دارند.

خوان اول، مربوط به جنگ رخس و شیر است. رخس، اسب معروف رستم بود. رستم سوار بر رخس، به طرف مازندران به راه افتاد. هنگام غروب، به نیزاری رسید. در آن‌جا پیاده شد. گورخری را شکار کرد و بعد از کباب کردن، آن را خورد. بعد در میان نی‌ها، جایی برای خود درست کرد و خوابید. در آن نیزار، شیر درنده‌ای خانه داشت. کمی که از شب گذشت، شیر به کنام برگشت. وقتی رستم و رخس را در آن‌جا دید، عصبانی شد و به رخس حمله کرد. رخس اسب باهوشی بود. برای همین، هنگام حمله‌ی شیر، روی دوپای خود ایستاد. بعد با سم، محکم بر سر شیر کوبید و او را کشت.

وقتی رستم بیدار شد، شیر کشته شده را دید، در دل به رخس آفرین گفت و فهمید که رخس، همیشه از او محافظت می‌کند.

پرسش‌ها

۱. ماجرای خوان اول را خواندید، شخصیت‌های داستان را به دو دسته‌ی خوب‌ها و بدها تقسیم کنید و با افراد گروه درباره‌ی دلیل این طبقه‌بندی گفت‌وگو کنید.

غذا	قضا
خرد	خورد
خاست	خواست
خار	خوار

او شمشیرش را به دست گرفت و دنبال گوسفند راه افتاد. از قضا، پس از مدتی، به چشمه‌ای رسید. رستم، با دیدن آب زلال چشمه، نیرو گرفت. از آب نوشید و سر و صورت خود را شست، به رخس هم آب داد. آن گاه برای غذا، گورخری شکار کرد، آن را کباب کرد و خورد و به استراحت پرداخت.

پرسش‌ها

۱. کلمه‌های داخل جدول را در داستان پیدا کن. بعد زیر آن‌ها را

خط بکش.

۲. در خواندن کلمه‌هایی که پیدا کرده‌ای، دقت کن. مثل هم خوانده می‌شوند، ولی شکل نوشتن و معنی آن‌ها با هم فرق می‌کند. درباره‌ی معنی هر کلمه با افراد گروه خود گفت‌وگو کنید.

۳. چند کلمه‌ی دیگر که چنین ویژگی‌هایی را داشته باشند، پیدا کنید و بنویسید.

۴. داستان خوان دوم را تعریف کنید.

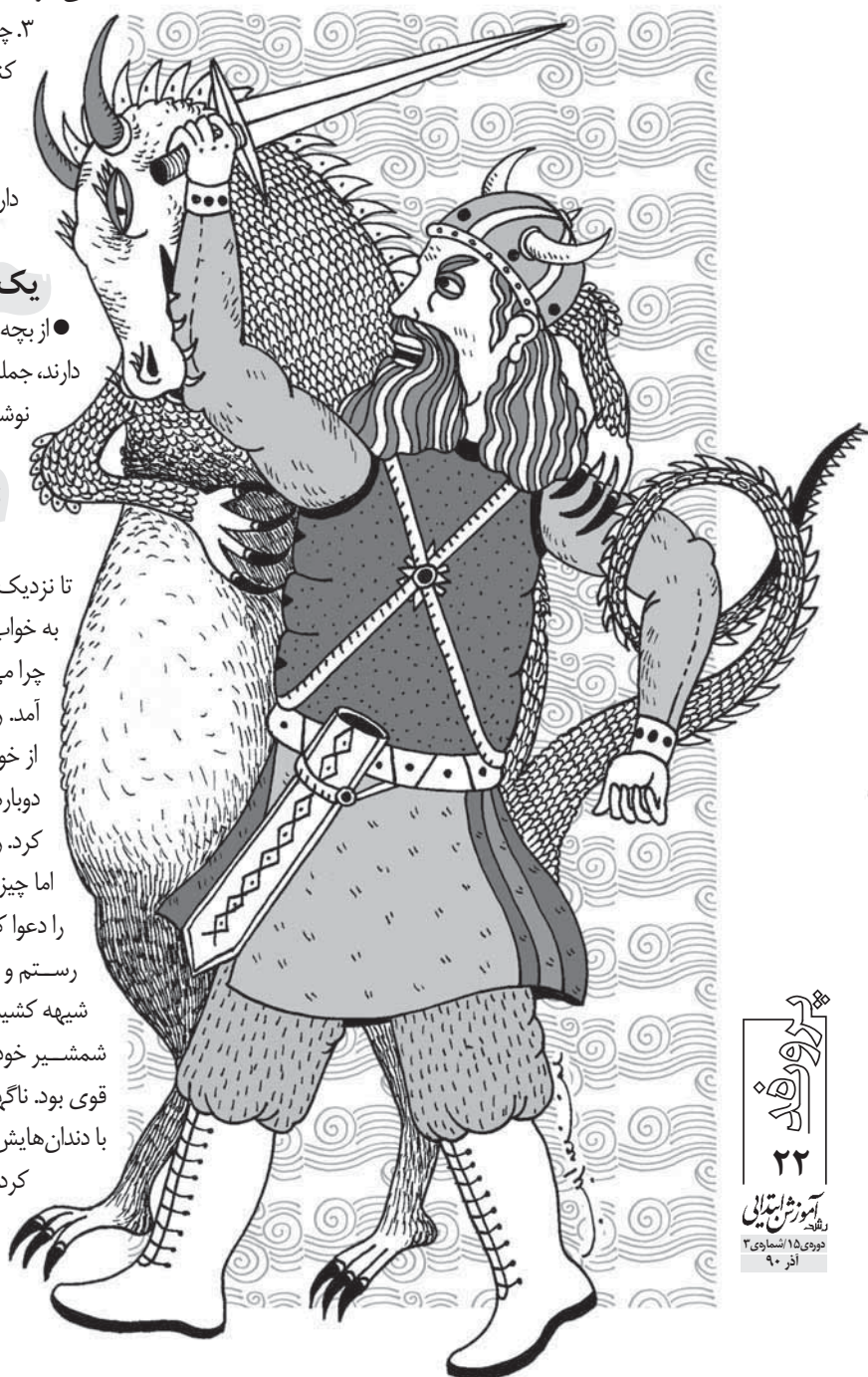
۵. درباره‌ی اهمیت آب، ضرب‌المثل‌های فراوانی وجود دارد. به چند نمونه از آن‌ها اشاره کنید.

یک فعالیت ویژه برای آموزگاران

● از بچه‌ها بخواهید با کلماتی که تلفظ یک‌سان، اما معانی متفاوتی دارند، جمله‌سازی کنید. (در پایه‌های بالاتر، این کار می‌تواند به شکل نوشتن داستان ارائه شود).

نبرد رستم در خوان سوم

روز بعد، رستم بر رخس سوار شد. او تمام روز راه رفت تا نزدیک غروب به جایی سرسبز و خرم رسید. بعد از خوردن غذا، به خواب عمیقی فرو رفت، اما رخس تا نیمه‌شب در آن دشت چرا می‌کرد. ناگهان اژدهایی آتشی به طرف رخس و رستم آمد. رخس ترسید، شیهه کشید و سُم بر زمین کوبید. رستم از خواب بیدار شد، اما چیزی ندید. از کار رخس ناراحت شد و دوباره به خواب رفت. اژدها دوباره بیرون آمد و رخس سروصدا کرد. رستم از خواب برخاست و اطراف خود را جست‌وجو کرد، اما چیزی ندید؛ چون اژدها خود را پنهان کرده بود. رستم رخس را دعوا کرد و دوباره به خواب رفت. اژدها بار سوم هم برای کشتن رستم و رخس بیرون آمد. رخس که می‌خواست رستم بیدار شود، شیهه کشید. رستم با عصبانیت از جا بلند شد. اما این بار اژدها را دید. شمشیر خود را به دست گرفت و با اژدها جنگید. اژدها بسیار پرزور و قوی بود. ناگهان، دور کمر رستم پیچید. رخس به یاری رستم شتافت. با دندان‌هایش، گردن اژدها را فشار داد و استخوان‌های گردنش را خرد کرد. جهان پهلوان با شمشیر، سر اژدها را از تن جدا کرد و به این ترتیب، از این مانع هم به سلامت گذشت.



پرسش

۱. تاکنون با سه خوان از هفت خوان رستم آشنا شده‌اید، کلمه‌های زیر شما را به یاد چه کلمه‌های دیگری می‌اندازد؟ آن کلمه‌ها را بنویسید.

✓ فردوسی،

✓ رستم،

✓ کاووس،

✓ رخس،

✓ خوان سوم،

با افراد گروه درباره‌ی دلیل هر کلمه‌ای که نوشته‌اید، بحث کنید.
۲. با مراجعه به فرهنگنامه یا فرهنگ لغت درباره‌ی لغت اژدها اطلاعات بیشتری به دست آورد.

۳. آیا تاکنون نام **هرکول** قهرمان داستان‌های یونان باستان را شنیده‌اید؟

در این داستان‌ها او برای انجام کارهای خطرناکی که **دوازده خوان هرکول** نام دارد، انتخاب شده است.

درباره‌ی خوان دوم این داستان و مبارزه‌ی او با **اژدهایی که سرهای بسیاری داشت**، تحقیق کنید و نتیجه را در چند سطر به آموزگار خود ارائه دهید.

۴. به آواز اسب (صدای اسب) چه می‌گویند؟

در صورت توانایی تقلید این صدا، (با اجازه‌ی آموزگارتان) با دوستان خود مسابقه‌ای ترتیب دهید.

بیان کنید.

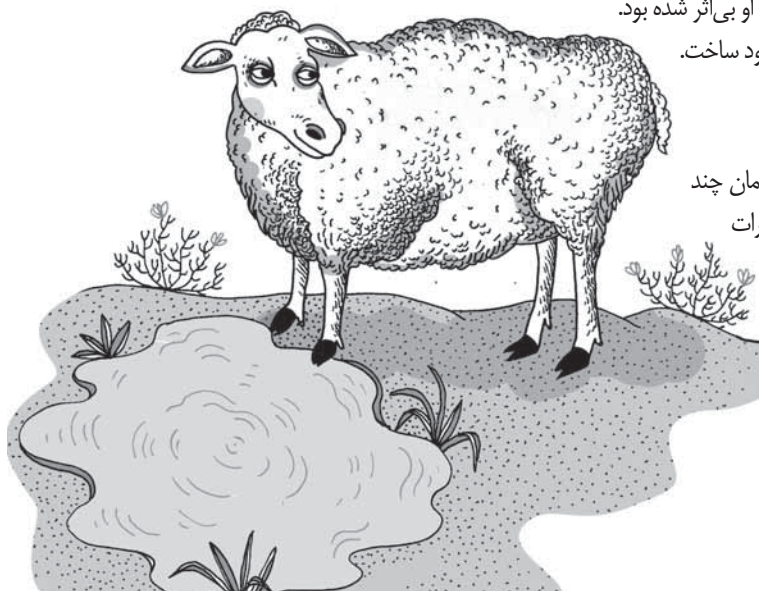
- اگر این امکان را داشتید که در یکی از خوان‌های رستم همراه او باشید، کدام خوان را انتخاب می‌کردید؟ چرا؟
- آیا مانع‌هایی را که در داستان می‌خوانید، شما را به یاد مانع‌های اطراف خودتان می‌اندازد؟
- اگر جواب شما بله است، به خاطر شباهت چه ویژگی‌هایی، چنین فکری به ذهن‌تان رسیده است؟
- اصل شعر خوان‌های اول تا چهارم را از شاهنامه به دست بیاورید و بخوانید.

نبرد رستم در خوان چهارم

رستم، پس از جنگ با اژدها و کشتن آن، رفت و رفت تا نزدیک غروب به چشمه‌ای رسید. چشمه، آبی زلال و گوارا داشت. اطراف آن هم پر از گل و گیاه بود. در کنار چشمه، سفره‌ای پهن بود. روی آن غذاهای رنگارنگی چیده بودند. سازی هم آن‌جا بود. رستم پیاده شد. دست و صورتش را شست و آبی نوشید. کنار سفره نشست و مقداری غذا خورد. بعد ساز را برداشت و نواخت. در این هنگام، زن جوان زیبایی در مقابل پهلوان ظاهر شد. رستم تعجب کرد و نام خدا را بر زبان آورد. با شنیدن نام خدا، ناگهان آن زن به شکل پیرزنی زشت‌روی درآمد. رستم فهمید که آن زن جادوگر است، زیرا با گفتن نام خداوند، جادوی او بی‌اثر شده بود. رستم کمند انداخت و جادوگر را گرفت و او را نابود ساخت.

پرسش

- وقتی شروع به خواندن خوان چهارم کردید. در همان چند بند اول، چه تصویری از پایان داستان داشتید، آیا تصورات شما درست بود؟
- با افراد گروه، خوان چهارم و خوان سوم را با هم مقایسه کنید و شباهت‌ها و تفاوت‌های آن‌ها را



سرمد ادم د

داستان‌واره‌ای آموزشی از زبان یک کودک

دیروز یک سرمدای عروسکی و رنگارنگ با موهای طلایی و چشم‌های آبی از مامان جایزه گرفتم، چون سرمشق‌هایم را خوب و به موقع نوشته بودم و در جواب همه‌ی حرف‌های مامان و بابا گفته بودم: «چشم». حالا مدام با این سرمدای خیلی خوش گل شده، البته خانم معلم گفته که نباید اسباب‌بازی به کلاس ببریم، اما سرمدای که اسباب‌بازی نیست. من فکر می‌کنم اگر مدام خوش گل و خوش حال باشد، خیلی بهتر و خوش‌خاطرتر می‌نویسد.

همان‌طور که حدس می‌زدم توی کلاس، همه‌ی بچه‌ها از مداد و سرمدای من خیلی خوششان آمد و چند نفر هم تصمیم گرفتند دختر خوبی باشند و مثل من از مادرشان جایزه بگیرند.

خانم معلم بعد از این که قصه‌ی نگاره‌ی امروز را تعریف کرد، به همه‌ی ما سرمشق جدید داد. اصلاً سخت نبود و سعی کردم خوب و تند بنویسم.

هنوز دو خط و نصفی ننوشته بودم که دستم خسته شد. داشتم از بغل‌دستیم عقب می‌افتادم. خیلی سعی کردم اما خسته شدم. نوبت گروه ما که رسید، خانم معلم نگاهی به من انداخت و گفت: «چی شده گل من؟ چرا نمی‌نویسی؟»

با خجالت سرم را پایین انداختم، نمی‌دانستم چه بگویم.

خانم معلم نگاهی به مدام انداخت و گفت: «گوش کنید دخترهای گلم، این مداد، مال...»

آن وقت همه‌ی بچه‌ها با هم گفتند: «مال لیلاست... خانم...»

خانم گفت: «بله آفرین... اما می‌دونین... سرش درد گرفته...»

بچه‌ها با تعجب گفتند: «سر کی خانم؟ لیلا؟»

خانم با خنده گفت: «نه، سرِ مدامش... چون لیلا به سرمدای سنگین روش گذاشته...»

حالا هم مدامش خسته شده و دیگه نمی‌تونه خوب بنویسه!»



آموزش ابتدایی
دوره‌ی ۱۵ / شماره‌ی ۳
آذر ۹۰

ش.ی.م

فریدا هاشمی محمدی

آموزگار دبستان اسلامی حاج جواد ارجمندی، تهران

در طول سال‌های تدریس همواره با مشکل رغبت نداشتن دانش‌آموزان به حل مسئله مواجه بوده‌ام. اولیا مکرر به من مراجعه می‌کردند و گاهی داشتند که فرزندشان در حل مسئله مشکل دارد. من هم راهکارهایی را ارائه می‌کردم، اما نمی‌دانستم تا چه اندازه می‌تواند به آن‌ها کمک کند. تا این که سال گذشته فرزندم دانش‌آموز پایه‌ی سوم دبستان شد و خودم به عنوان یک ولی، این مشکل را از نزدیک لمس کردم. با توجه به توانایی‌هایی که از پسرم سراغ داشتم، می‌دیدم نسبت به طرح مسئله ناتوان است و هر وقت برای او تمرین ریاضی می‌نوشتم، با التماس از من درخواست می‌کرد که تمرین‌های کمتری بنویسم. او می‌گفت: «از مسئله متنفرم!»

نسخه‌هایی هم که برای اولیا تجویز کرده بودم کارساز نبود و نتوانست او را به درس علاقه‌مند کند، تا این که فکری به خاطرم رسید. از دانش‌آموزانم خواستم دفتری ۱۰۰ برگ با عنوان ش.ی.م یا «شبی یک مسئله» تهیه کنند. تعدادی تصویر کودکانه آماده کردم و پس از آموزش هر مبحث، مسائل مربوط به آن موضوع را داخل تصویر نوشتم.

پس از تکثیر از دانش‌آموزان خواستم، تصویر مربوطه را به شکل دل‌خواه رنگ‌آمیزی و تزیین کنند و در دفتر بچسباندند. مثلاً برای تصویر ماهی دریا بکشند و برای تصویر برگ، شکل گل بکشند و بعد مسئله را حل کنند. این کار علاوه بر این که ذوق هنری دانش‌آموزان را پرورش می‌داد، علاقه و انگیزه‌ی بچه‌ها را برای حل مسئله افزایش داده، تلخی حل تمرین را از بین می‌برد. به این ترتیب دیدم که آثار مثبت آن نه تنها در فرزندم، بلکه در سایر دانش‌آموزان نیز مشهود و قابل توجه است.^۱

پی‌نوشت

۱. این تجربه به شکل دیگری و با همان نام ش.ی.م، در کتاب نوآوری در یادگیری با تکالیف درسی خلاق نوشته مشترک مرتضی مجدفر و زری آقاجانی (نشر امروز، ۱۳۸۹) به چاپ رسیده است.

مامان سوم!

زهره دورانی

آموزگار دبستان فضیلت، روستای غنی‌آباد بشرویه خراسان جنوبی

ابتدای سال تحصیلی وقتی وارد کلاس شدم، بچه‌ها با شور و شعفی بسیار از من استقبال کردند. خودم را معرفی کردم و گفتم که معلم در مدرسه، مانند مامان شماست. به محض گفتن این حرف، یکی از بچه‌ها گفت: «یعنی خانم معلم، شما مامان دوم ما هستید؟!». هنوز جواب سؤال این دانش‌آموز را نداده بودم که یکی از بچه‌ها گفت: «البته خانم معلم، شما مامان سوم من هستید!» با صدای خنده‌ی بلند بچه‌ها و حرف‌هایی که در میان همه‌ی می‌شنیدم، فهمیدم که بابای آن دانش‌آموز دو تا زن دارد. فقط به این فکر می‌کردم که بچه‌ها چه دل‌های صاف و پاکی دارند و هر چیزی را با صداقت بیان می‌کنند. به بچه‌ها توضیح دادم منظورم

این است که سعی می‌کنم مثل مادر، با شما ارتباط خوبی داشته باشم تا در مدرسه هم احساس راحتی و خوش حالی کنید





همیار سبز

سعید عبداللہی پیرداغ

مدیر آموزشگاه شهید پرنیا، رباط کریم

طرح همیار سبز، ابتکاری در ارتباط با آشنایی بیشتر دانش آموزان با گل و گیاهان بود که پس از معرفی و تأیید در شورای معلمان به روش زیر در مدرسه به اجرا درآمد:

در اولین جلسه، طرح با اولیا و مربیان در میان گذاشته شد و قرار شد در روزی خاص، هریک از دانش آموزان گیاهی خاص را به مدرسه بیاورند و اطلاعات، خواص و راههای نگه‌داری هر کدام را نیز ارائه کنند. پس از نوشتن نام و فوائد هر گیاه، وظیفه‌ی رسیدگی به آن‌ها بین کلاس‌ها تقسیم شد. از آن به بعد و در اوقات زنگ تفریح بچه‌ها و حتی اولیا، هنگامی که در مدرسه بودند به گیاهان توجه می‌کردند و خواص آن‌ها را مطالعه می‌کردند.

بدین ترتیب اهداف ذیل برای واحد آموزشی ما به ارمغان آمد:

- ✓ آشنایی مستقیم و غیرمستقیم دانش آموزان با گل‌ها و گیاهان
- ✓ تقویت روحیه‌ی حفظ محیط‌زیست
- ✓ ایجاد تنوع و نشاط در محیط آموزشی.



عَمان عَظ این علفبا!

ارسالی از: حکیمه بلوری

آموزگار، زنجان

● ما برای صداهای کاملاً مشابه، حروف گوناگون داریم.

● برای این صدا ۲ تا حرف داریم: ت، ط.

● برای این ۲ تا: ه، ح.

● برای این ۲ تا: ق، غ (البته قبول داریم که یک جورهایی متفاوتند).

● برای این ۲ تا: ه، ع.

● برای این ۳ تا: ث، س، ص.

● و برای این ۴ تا: ز، ذ، ض، ظ.

این یعنی:

✓ «شیشه» را نمی‌شود غلط نوشت.

✓ «دوغ» را می‌شود ۱ جور غلط نوشت.

✓ «غلط» را می‌شود ۳ جور غلط نوشت.

✓ «دست» را می‌شود ۵ جور غلط نوشت.

✓ «اینترنت» را می‌شود ۷ جور غلط نوشت.

✓ «سزاوار» را می‌شود ۱۱ جور غلط نوشت.

✓ «زلزله» را می‌شود ۱۵ جور غلط نوشت.

✓ «ستیز» را می‌شود ۲۳ جور غلط نوشت.

✓ «احتضار» را می‌شود ۳۱ جور غلط نوشت.

✓ «استحقاق» را می‌شود ۹۵ جور غلط نوشت.

✓ و «اهتزاز» را می‌شود ۱۲۷ جور غلط نوشت.

واغن چتوری شد که ماها طونصطیم دیکطه یاد بگیریم؟!





تشکر بازبان کودکی

پروانه شبان پور

آموزگار پایه‌ی اول، شهرضا

از چند سال پیش سخن می‌گویم. زنگ نقاشی بود. دانش‌آموزانم دفترهای نقاشی و مدادهای رنگی خود را از کیف بیرون آورده، مشغول کشیدن نقاشی بودند. دانش‌آموزی داشتم که نقاشی‌های زیبایی نمی‌کشید و من مدتی بود که با روش‌های گوناگون او را به کشیدن نقاشی تشویق می‌کردم. آن روز هم نقاشی‌اش را که تصویر یک دختر با لباسی بلند و رنگارنگ بود، پیش من آورد. من نیز یک نمره‌ی ۲۰ بزرگ در زیر نقاشی او نوشتم. با خوش‌حالی زیاد، دفترش را به دوستانش نشان داد و دوباره به طرف من برگشت و گفت: «خانم خیلی آقایی!»

چهارگوشه، نه چهارگوش!

قاسم سجادی

آموزگار پایه‌ی اول دبستان ابومسلم، کوهدشت لرستان

یکی از اشتباهاتی که در سال‌های اخیر در آموزش هندسه به کودکان دبستانی رایج شده است، استفاده از واژه‌ی «گوش» به جای «ضلع» است. برای مثال، در آموزش مثلث به کودکان، از عبارت «سه گوش» و در یاد دادن مربع از «چهار گوش» استفاده می‌کنیم. حتی این اشتباه به نوشته‌های علمی - آموزشی ما هم راه یافته است. به عنوان مثال در شماره‌ی ۱۱۵ مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی (اسفند ۱۳۸۹)، در صفحه‌ی ۳۲، از عبارت چهارگوش به صورت توأمان به جای مربع و دوزنقه استفاده شده است که درست نیست. شاید مناسب باشد از عبارت «چهار گوشه» استفاده شود. زیرا گوش، وسیله و اندامی است برای شنیدن، ولی گوشه، قسمتی از فضا و جایی به معنای کنج و زاویه است (فرهنگ عمید). این عبارت، درست مانند استفاده از «پیچ گشتی»، غلط مصطلح شده است. در بین عامه‌ی مردم به جای پیچ گشتی، از پیچ گوشتی استفاده می‌شود، در حالی که پیچ گشتی، وسیله‌ای است برای گرداندن پیچ‌ها، نه برای پیچاندن گوشت.

بهره‌گیری از جدول کلمات پراکنده

محمد رضا احمدی

عضو گروه‌های آموزشی اداره کل آموزش و پرورش مازندران

روشی برای انجام فعالیت‌های یاددهی - یادگیری در درس انشا

سرآغاز

این جمله آشنای ذهن همه‌ی ماست: «اکثر دانش‌آموزان ما، بعد از پایان دوران تحصیلی قادر به بیان خواسته‌های خود در قالب یک نامه یا یک متن نیستند.» راستی اگر بخواهیم دلیل این ضعف را بیابیم، انگشت اشاره‌ی ما، کدامین درس را نشان خواهد داد؟ بی‌شک آن درس، انشا یا «بنویسیم» فعلی خواهد بود، انشا در واقع همه‌ی دروس است و یافته‌های دانش‌آموزان در یادگیری باید به وسیله‌ی این درس جلوه‌گر شود، اما افسوس که این درس چندان جدی گرفته نمی‌شود و همواره حالت تکلیف‌گونه به خود گرفته است!

یکی از دلایل این ضعف، روش‌های متداول تدریس انشاست. روش مسلط اکثر کلاس‌های درس ما در انشا، روش‌های سنتی است. این گونه که معلمان ما یک موضوع واحد را در یک جلسه معرفی کرده و بعد از توضیحی مختصر از دانش‌آموزان می‌خواهند که در منزل آن را نوشته و در جلسه‌ی بعد به عنوان تکلیف به کلاس ارائه نمایند. در جلسه‌ی بعد هم چند نفر انشاهای خود را می‌خوانند و البته معلوم نیست که آن‌ها هم، نوشته‌های چه کسی را می‌خوانند، پدر، مادر و یا خود را؟! بقیه‌ی دانش‌آموزان هم با بی‌علاقگی به آن افراد نظاره‌گرند.

اما امروزه باید از خودمان پرسیم، آیا اینک زمان آن فراتر رسیده است که به حاکمیت روش‌های سنتی تدریس انشا پایان دهیم؟ آیا اینک زمان دفن کردن آن روش‌ها و اندیشه‌های فرسوده نیست؟

در زمینه‌ی تدریس انشا به شیوه‌ی فعال و خلاق، روش‌های گوناگونی وجود دارد، روش‌هایی مانند بدیعه‌پردازی، بارش فکری، تلفیق حواس، کلمات پراکنده، طرح انشا و روش خورشیدی.

در ادامه، یکی از این روش‌ها به عنوان روش تدریس جدول کلمات پراکنده به صورت سناریو ارائه می‌شود و امید است با به‌کارگیری روش‌های فعال تدریس، این درس را از وضعیت تکلیف‌گونه‌ی آن خارج کنیم. آن‌چه در این روش باید مورد تأکید قرار گیرد، این است که با این شیوه، دانش‌آموزان تمرین می‌کنند و برای نوشتن متن کامل و وارد شدن به دنیای ابداعی انشا آمادگی می‌یابند.

با هم وارد کلاسی خواهیم شد که معلم آن با استفاده از روش جدول کلمات پراکنده، فعالیت یاددهی - یادگیری را آغاز می‌کند:

گام (مرحله)	فعالیت معلم	فعالیت دانش آموزان																														
گام اول ایجاد انگیزه (انگیزه سازی و معرفی موضوع درس و بیان اهداف و انتظارات)	معلم تعدادی تصاویر که در ارتباط با مناسبت های همان ماه است از طریق رایانه (ویدئو پروژکشن) پخش می کند. به عنوان مثال مناسبت های ماه اردیبهشت (روز معلم، روز زمین پاک، هلال احمر و...) معلم از دانش آموزان می خواهد با توجه به تصاویر پخش شده، یک موضوع را با توافق هم انتخاب کنند. معلم موضوع انتخابی را بر روی تخته می نویسد و اهداف و انتظارات خود را به زبان ساده بیان می کند.	- دانش آموزان تصاویر را به دقت نگاه می کنند. - دانش آموزان در زمینه ی یک موضوع به توافق می رسند. مثال؛ زمین پاک.																														
	معلم جدولی را بر روی تخته ی کلاسی کشیده و از دانش آموزان می خواهد در ارتباط با موضوع به صورت گروهی، هر کلمه ای را که به ذهن شان می رسد فهرست کرده و در ستون مربوط به گروه خود بنویسند. (یک ستون هم مربوط به کلمات خود معلم است) (دانش آموزان بعد از فهرست کردن، کلمات مربوط به خود را در ستون مربوط به خود می نویسند)																															
گام دوم تولید اندیشه	<table><tr><td>گروه ۱</td><td>زمین</td><td>آب</td><td>هوا</td><td>آلوده</td><td>انسان ها</td></tr><tr><td>گروه ۲</td><td>نابودی</td><td>بهداشت</td><td>زیبایی</td><td>مرگ</td><td>جانوران</td></tr><tr><td>گروه ۳</td><td>درختان</td><td>فاضلاب ها</td><td>خاک</td><td>پژمرده</td><td>فقط</td></tr><tr><td>گروه ۴</td><td>گیاهان</td><td>بیمار</td><td>آفریده ها</td><td>محیط زیست</td><td>دریاها</td></tr><tr><td>معلم</td><td>رودخانه ها</td><td>ماشین ها</td><td>کارخانه ها</td><td>مواد سمی</td><td>ماهی ها</td></tr></table>	گروه ۱	زمین	آب	هوا	آلوده	انسان ها	گروه ۲	نابودی	بهداشت	زیبایی	مرگ	جانوران	گروه ۳	درختان	فاضلاب ها	خاک	پژمرده	فقط	گروه ۴	گیاهان	بیمار	آفریده ها	محیط زیست	دریاها	معلم	رودخانه ها	ماشین ها	کارخانه ها	مواد سمی	ماهی ها	
	گروه ۱	زمین	آب	هوا	آلوده	انسان ها																										
گروه ۲	نابودی	بهداشت	زیبایی	مرگ	جانوران																											
گروه ۳	درختان	فاضلاب ها	خاک	پژمرده	فقط																											
گروه ۴	گیاهان	بیمار	آفریده ها	محیط زیست	دریاها																											
معلم	رودخانه ها	ماشین ها	کارخانه ها	مواد سمی	ماهی ها																											
گام سوم ترکیب کلمات (جمله سازی)	معلم: حالا هر یک از گروه ها با استفاده از کلمات داخل جدول و با اضافه کردن کلمات جدید دیگر، یک جمله ی زیبا در ارتباط با موضوع درس نوشته و در جدول در قسمت مربوط، جمله ها (ستون گروه خود) بنویسد. توجه: هر گروه می تواند از کلمات گروه های دیگر هم استفاده کند.																															
	<table><tr><td>گروه ۱</td><td>کره ی زمین از دست ما انسان ها ناراحت است.</td></tr><tr><td>گروه ۲</td><td>مرگ زمین مرگ همه ی انسان ها، درختان و جانوران بر روی زمین است.</td></tr><tr><td>گروه ۳</td><td>بعضی از فاضلاب ها و مواد سمی کارخانه ها وارد رودخانه ها می شود.</td></tr><tr><td>گروه ۴</td><td>ماشین ها هم آلوده کننده ی محیط زیست هستند.</td></tr><tr><td>معلم</td><td>مواد سمی به فاضلاب ها باعث آلوده شدن دریاها و رودخانه ها و مرگ ماهی ها و جانوران شده است.</td></tr></table>	گروه ۱	کره ی زمین از دست ما انسان ها ناراحت است.	گروه ۲	مرگ زمین مرگ همه ی انسان ها، درختان و جانوران بر روی زمین است.	گروه ۳	بعضی از فاضلاب ها و مواد سمی کارخانه ها وارد رودخانه ها می شود.	گروه ۴	ماشین ها هم آلوده کننده ی محیط زیست هستند.	معلم	مواد سمی به فاضلاب ها باعث آلوده شدن دریاها و رودخانه ها و مرگ ماهی ها و جانوران شده است.																					
گروه ۱	کره ی زمین از دست ما انسان ها ناراحت است.																															
گروه ۲	مرگ زمین مرگ همه ی انسان ها، درختان و جانوران بر روی زمین است.																															
گروه ۳	بعضی از فاضلاب ها و مواد سمی کارخانه ها وارد رودخانه ها می شود.																															
گروه ۴	ماشین ها هم آلوده کننده ی محیط زیست هستند.																															
معلم	مواد سمی به فاضلاب ها باعث آلوده شدن دریاها و رودخانه ها و مرگ ماهی ها و جانوران شده است.																															
گام چهارم مرتب کردن جملات (اولویت بندی)	معلم: بچه ها حالا بیایید با کمک هم، این جملات گروهی را به ترتیب اولویت مرتب کنید.	دانش آموزان درباره ی اولویت جملات به توافق می رسند.																														
گام پنجم نوشتن متن انشا در کتاب یا دفتر و به کارگیری قواعد و علائم نگارشی	معلم: بچه ها این جملات را در کتاب یا دفتر خود نوشته و به صورت فردی باز هم کلمات دیگر برای زیباتر شدن جملات به آن اضافه نمایید. و علائم و قواعد نگارشی را هم در متن انشا قرار دهید و در نهایت یک پایان (نتیجه ی) مناسب برای انشاهایتان بنویسید.	دانش آموزان، فعالیت خواسته شده را انجام می دهند.																														
گام ششم ارائه ی انشاء، ارزش یابی (نقد و بررسی)	دانش آموزان انشاهای خود را می خوانند و دانش آموزان دیگر و معلم، موارد مثبت و یا نیازمند به اصلاح را یادآور می شوند.																															

دوروش ساده برای آموزش نوشتن

زهرا مبارکی

آموزگار پایه‌ی دوم دبستان قلم، ایلام

یکی از تجربه‌های آموزشی جالب که من دارم، نوشتن متن و انشای کوتاه توسط شاگردان پایه‌ی دوم است. معمولاً هر سال در ماه اسفند که بچه‌ها در جمله‌نویسی مهارت یافته‌اند و اکثر کلمات کتاب را فراگرفته‌اند، با بچه‌ها در دو روش شروع به کار می‌کنم تا برای سال بعد آمادگی لازم در درس انشا را بیابند.

روش اول

۲۰ تا ۳۰ کلمه روی تخته‌ی کلاسی می‌نویسم (معمولاً کلماتی که در یک موضوع خاص به کار می‌روند). سپس از بچه‌ها می‌خواهم در گروه‌های سه نفری و پس از پنج دقیقه مشورت، با کلمات داده شده متنی با معنا و جالب توجه بنویسند و برای آن نامی مناسب بگذارند. بعد، از هر گروه یک نفر به نمایندگی بیاید و متن را بخواند. گروه‌های دیگر درباره‌ی معایب و محاسن آن نظر می‌دهند و متن‌های جالب تشویق شده و روی تابلوی خاص این کار نصب می‌شود. باید در نظر داشت در مراحل اول از کلمات یک درس خاص استفاده می‌شود و بعد، خارج از کتاب مدنظر قرار می‌گیرد و دیگر این که قواعد و شرایط یک متن خوب را آموزگار قبلاً باید به دانش‌آموزان بگوید.

روش دوم

نوشتن متن به کمک نقاشی و تصاویر مبهم است. پس از این که دانش‌آموزان در نوشتن متن توانمند شدند، از این روش استفاده می‌کنم. یک نقاشی مبهم که قوه‌ی تفکر و تخیل بچه‌ها را تحریک کند، روی تابلو می‌کشم و یا تصویری آماده روی تابلو می‌چسبانم. سپس از شاگردان می‌خواهم در سکوت مطلق درباره‌ی تصویر فکر کنند و بعد هر کدام به تنهایی تفسیر و نظر خود را به صورت یک متن کوتاه بنویسند. آموزگار متن‌ها را بررسی می‌کند و با تشویق همه‌ی بچه‌ها، بهترین متن‌ها توسط خود شاگردان خوانده می‌شوند و سپس توسط دانش‌آموزان نقد و بررسی می‌شوند. در این روش، شاگردان با گوش دادن به متن‌های متفاوت با دیدگاه‌های دیگران آشنا می‌شوند. همچنین، دانش‌آموزان وادار می‌شوند بعد از این با دقت بیشتری به همه‌چیز نگاه کنند و نیز زمینه‌ی داستان‌نویسی و علاقه به نوشتن در آن‌ها پرورش می‌یابد.



سالگرد شهادت سالار شهیدان و یاران باوفایش تسلیت باد!

مهمان امام حسین (ع)

محمدباقر نوریان لایلی

آموزگار مدرسه‌ی شهید مدرس حاجی کلا، محمودآباد مازندران

ماه محرم بود و طبق روال همه ساله، بچه‌های مدرسه‌ی ما در هیئت‌های مذهبی در عزاداری امام حسین (ع) شرکت کرده بودند. من هم که اهل شهری دیگر بودم، در اولین سال معلمی خود مجبور بودم به‌خاطر برخی مسائل، فاصله‌ی ۹۰ کیلومتری تا مدرسه را با ماشین طی کنم. از طرفی هم با بچه‌ها عهد بسته بودم که در مراسم عزاداری آن‌ها شرکت کنم. برای همین به بچه‌های کلاس قول دادم که یک شب در روستای آن‌ها بمانم تا از نزدیک در مراسم عزاداری و سینه‌زنی شرکت کنم. در این حین یکی از بچه‌ها به من گفت: «آقا معلم برای شام بیابین خونه‌ی ما.» یکی دیگر از بچه‌ها هم گفت: «نه! آقا معلم حتماً خونه‌ی ما می‌آد.» مجادله‌ی آن‌ها با این جمله‌ی من به اتمام رسید که: «من امشب مهمون امام حسین (ع) هستم و بس. پس بحث نکنید.» این جمله همان و سکوت چند تا از بچه‌ها و خوش‌حالی تعدادی دیگر از بچه‌ها همان. چند ساعتی گذشت. دیدم واقعاً نصف بچه‌های کلاس از حرف من ناراحت شدند و دل و دماغی برای درس خواندن ندارند! متوجه شدم که هرچه هست از جمله‌ی اخیر من که مهمان امام حسین (ع) هستم، آب می‌خورد. خلاصه تا بخواهم بحث را برای بچه‌ها توضیح دهم، یکی از بچه‌ها گفت: «آقا معلم! چرا مهمون امام حسین (ع)؟ برای چی مهمون امام حسن (ع) نیستید! نصف بچه‌های کلاس، مال پایین محله هستند که اسم مسجدش امام حسن (ع) است. حالا چون مدرسه‌ی شما بالای محل قرار دارد، شما هم باید مهمون مسجد امام حسین (ع) باشید!» با به پایان رسیدن این جملات بغض‌آلود یکی از شاگردانم بود که فهمیدم، بچه‌ها منظور من از این که مهمان امام حسین (ع) هستم را با مهمان مسجد امام حسین (ع) اشتباه گرفته‌اند و خلاصه این موضوع باعث ناراحتی آن‌ها شده است. با رفع این سوءتفاهم، با بچه‌های بالا و پایین محل قرار گذاشتیم که به جای یک شب، دو شب را کنار آن‌ها باشیم، با این شرط که شب اول در کنار بچه‌های مسجد امام حسن (ع) پایین محل و شب دوم در کنار بچه‌های مسجد امام حسین (ع) در بالا محل و مهمان همیشگی سالار شهیدان امام حسین (ع) باشیم.





گام به گام با بچه‌ها

نور محمد خادمی فرد

آشنایی با انتشارات پیدایش

اشاره

از دو شماری گذشته معرفی آثار ناشران برگزیده‌ی جشنواره‌ی کتاب‌های آموزشی رشد را آغاز کردیم که منتخبان آن براساس نتایج هشتمین دوری طرح سامان‌دهی کتاب‌های آموزشی که در زمستان ۱۳۸۹ برگزار شد، برگزیده شده‌اند. در شماره‌های پیش، انتشارات مدرسه‌ی برهان و قدیانی را معرفی کردیم. در این شماره، با فعالیت‌های انتشارات پیدایش آشنا می‌شویم که در جشنواره‌ی مذکور حایز رتبه‌ی سوم شده بود. رتبه‌بندی ناشران براساس اسناد جشنواره‌ی مذکور، کسب عنوان‌های برگزیده، عنوان‌های تقدیری، راهیابی کتاب‌ها در فهرست نامزدها و ورود عنوان‌هایی از کتاب‌های ناشر به فهرست کتاب‌نامه‌های رشد و توسط ستاد جشنواره‌ی رشد صورت پذیرفته است.

تاریخچه

انتشارات پیدایش فعالیت خود را از سال ۱۳۶۸ با تمرکز بر چاپ کتاب برای مخاطبان کودک، نوجوان و جوان و به مدیریت **محسن طائب** آغاز کرد. این ناشر تا امروز کتاب‌های متنوعی را در زمینه‌های داستان، شعر، ادبیات کهن، طنز، علمی، هنری، روان‌شناسی برای گروه‌های سنی گوناگون منتشر کرده است.

سرآمد اهداف این ناشر، ارتقای سطح سلیقه‌ی مخاطبان و نیز رعایت اصل تنوع در تولید آثار مورد نیاز مخاطب بوده است.

نشر پیدایش به منظور نیل به اهداف یادشده، خط‌مشی خود را در سه زمینه‌ی زیر دنبال می‌کند:

- ☐ بهره‌گیری از نیروی اندیشه‌ی مشاوران مجرب و متخصص در زمینه‌ی ادب و هنر کودکان و نوجوانان
- ☐ چاپ و عرضه‌ی آثار مؤلفان و مترجمان صاحب نام
- ☐ استفاده از تجارب جهانی تولید کتاب، از طریق حضور مستمر و مؤثر در نمایشگاه‌های جهانی کتاب.



افتخارات

طی بیست و دو سال فعالیت، انتشارات پیدایش با چاپ کتاب‌های ارزش‌مند از بهترین هنرمندان و خالقان برای مخاطبان کودک، نوجوان و جوان سعی در ایجاد جریانی سالم در این حوزه داشته است و از سوی نهادهای گوناگون نیز به عنوان ناشر برگزیده، معرفی و تقدیر شده است. برخی از این افتخارات عبارتند از:

- ناشر نمونه‌ی کشور در سال‌های ۱۳۷۶، ۱۳۸۳ و ۱۳۸۸
- ناشر برگزیده‌ی شورای کتاب کودک در سال ۱۳۷۶
- ناشر برگزیده‌ی دومین بینال تصویرگران کتاب کودک در سال ۱۳۷۶
- ناشر برگزیده‌ی جشنواره‌ی رشد در سال‌های ۱۳۸۰ و ۱۳۸۹
- ناشر برگزیده‌ی شانزدهمین و بیستمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب در سال‌های ۱۳۸۲ و ۱۳۸۶.

حوزه‌های کاری

در ۲۲ سال اخیر، چاپ نزدیک به ۱۰۰۰ عنوان کتاب و بیش از ۱۱۰ مجموعه‌ی متنوع در زمینه‌های موضوعی گوناگون، شامل ادبیات داستانی، علمی، تاریخی، دینی، روان‌شناسی، پزشکی، رایانه و فناوری اطلاعات، شعر و طنز، نام انتشارات پیدایش را به عنوان یکی از ناشران ثابت‌قدم در نشر کودک و نوجوان به ثبت رسانده است.



فعالیت‌های چاپ و نشر در حوزه‌ی آموزش

ابتدایی

الف) علمی - آموزشی

- مجموعه‌ی ۲۵ جلدی «علوم پایه»
- مجموعه‌ی شش جلدی «آموزش مفاهیم علوم»
- مجموعه‌ی چهار جلدی «آموزش مفاهیم ریاضی»
- مجموعه‌ی پنج جلدی «آموزش مفاهیم مهارتی»
- مجموعه‌ی شش جلدی «آموزش و شناخت وسایل»
- مجموعه‌ی چهار جلدی «هزار نکته‌ی باریک‌تر از مو»
- مجموعه‌ی «پاسخ به چراهای بدن»

ب) رایانه و اینترنت

- مجموعه‌ی شش جلدی «ICT برای کودکان»
- مجموعه‌ی شش جلدی «رایانه و فناوری اطلاعات»

پ) حمل‌ونقل و وسایل نقلیه

- مجموعه‌ی سه جلدی «بیشتر بدانیم»

ت) روان‌شناسی

- مجموعه‌ی ۱۰ جلدی «روان‌شناسی کودک»

ث) تغذیه و بهداشت

- مجموعه‌ی ۱۰ جلدی «غذای سالم»
- مجموعه‌ی پنج جلدی «برای سلامتی من خوب است»
- مجموعه‌ی ۱۰ جلدی «بیماری‌های غیرمسمری»
- مجموعه‌ی شش جلدی «بدن من چگونه کار می‌کند؟»
- مجموعه‌ی چهار جلدی «ایمنی و بهداشت»

ج) ادبیات داستانی

- مجموعه‌ی ۲۰ جلدی «رمان کودک»
- مجموعه‌ی ۱۰ جلدی «قصه‌های برادران گریم»
- مجموعه‌ی ۱۰ جلدی «قصه‌های دبستانی»
- مجموعه‌ی ۱۰ جلدی «برای پسرها»
- مجموعه‌ی چهار جلدی «شردمن»
- مجموعه‌ی شش جلدی «کارگاه نلی»
- مجموعه‌ی سه جلدی «تجربه‌های کودکی»

چ) شعر

- مجموعه‌ی شعر «گوزن سبز»

ح) طنز

- مجموعه‌ی پنج جلدی «لطیفه‌های کودکان»
- «خنده به شرط قلقلک»
- «لطیفه‌های ورپریده»
- «دلک‌ها و حکایت‌های عامیانه»
- «ماجراهای سلطان و آقا کوچول»
- «لطیفه‌های شیرین ملانصرالدین»
- «شکم شیر»

خ) هنر

- مجموعه‌ی سه جلدی «کلاس هنر»

این ناشر هم‌چنین مجموعه‌ی «گام‌به‌گام با بچه‌ها» را برای آموزگاران، مدیران و اولیای دانش‌آموزان دوره‌ی ابتدایی منتشر کرده است.



کتاب کتاب



نمایش، مصاحبه و روزنگار یادگیری

ابزارهای ارزش‌یابی توصیفی

بخش سوم

دکتر محرم آقازاده

آشنایی با ابزارهای چهارم تا ششم

کلیدواژه‌ها: ارزش‌یابی توصیفی، نمایشگاه، نمایش، مصاحبه، روزنگار یادگیری

اشاره

در دو قسمت قبلی این سلسله مطالب، علاوه بر آشنایی کلی با ابزارهای قابل استفاده در ارزش‌یابی توصیفی، ابزارهای اول تا سوم، شامل ارائه‌ی کلاسی، همایش و انشا توضیح داده شد. در این شماره و در ادامه با ابزارهای چهارم (نمایش)، پنجم (مصاحبه) و ششم (روزنگار یادگیری) آشنا می‌شویم.

۴. نمایشگاه/نمایش تعریف

برگزاری نمایشگاه یا نمایش فعالیتی است که از طریق آن یادگیرنده‌ی فرآیند، روش انجام کار یا نمونه‌هایی از این دست را تبیین یا استفاده می‌کند تا موفقیتش را در کسب مهارت‌هایی ویژه یا کسب دانش نشان دهد.

هدف

از نمایشگاه/نمایش می‌توان در موارد زیر بهره گرفت:

- نشان دادن موفقیت فردی در کسب مهارت‌های ویژه یا کسب دانش خاص در فضای عمومی‌تر
- سنجش پیشرفت یادگیرنده در تکلیفی که می‌طلبد دانش‌آموزان به‌طور فعال به انجام دادن کار بکوشند.
- آموزش دانش یا مهارتی به دیگران، به ویژه به هم‌تایان.

ویژگی‌ها نمایشگاه/نمایش

- یک ارزش‌یابی است که در موقعیت‌های واقعی و ساختگی قابل استفاده است.
- معمولاً در این ارزش‌یابی فهرستی از ویژگی‌های عملکرد برای داوری استفاده می‌شود.
- تلاش می‌شود این ارزش‌یابی در موقعیت واقعی صورت پذیرد و در مجموع فرآیند و عناصر کسب مهارت در معرض قضاوت قرار گیرد.

روش استفاده از نمایشگاه/نمایش

برای کسب اطمینان از میزان مهارت و دانش یادگیرنده، به صورت فرآیندی از این روش می‌توان سود جست. در درس «علوم»، «مطالعات اجتماعی»، «تربیت بدنی» به‌وفور روش ارزش‌یابی حاضر کاربرد دارد.

ملاحظات از نمایشگاه/نمایش

- می‌توانید برای ارزش‌یابی تلفیقی استفاده کنید، یعنی اهداف دو یا سه درس را در نظر بگیرید و از یادگیرنده بخواهید تسلط خود را به نمایش بگذارند.
- می‌توانید برای پرورش و توسعه‌ی خلاقیت یادگیرندگان استفاده کنید.
- می‌توانید برای ایجاد رقابت بین یادگیرندگان بهره‌گیرید.
- می‌توانید کار گروهی و هم‌یارانه‌ای باشد که دانش‌آموزان در وقت‌های اضافی آن را به انجام برسانند.

۵. مصاحبه تعریف

مصاحبه، گفت‌وگوی رودررویی است که در آن همه‌ی افراد از معلم گرفته تا دانش‌آموز و والدین تلاش می‌کنند، دانش و فهم خود را

درباره‌ی موضوعات، مسئله و عنوان‌های مورد علاقه‌ی دوجانبه، با هم در میان بگذارند.

هدف

از هدف‌های مصاحبه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- روش ساختن موضع والدین و معلم درباره‌ی یک موضوع، یا مسئله
- واکاوی تفکر دانش‌آموز
- سنجش سطح فهم دانش‌آموز از مفهوم و روشی معین
- گردآوری اطلاعات، دست‌یابی به یک تبیین، تعیین مواضع و اندیشه‌ورزی برای پیداکردن راه‌های ایجاد انگیزه
- یاری رساندن به تشخیص و تبیین فهم دانش‌آموزان از کیفیت و ویژگی‌های یک کار و فعالیت کیفی.

ویژگی‌ها

- به راحتی می‌توان هدف و چارچوب مصاحبه را تعیین کرد. (برای مثال، کاوش رسمی و جستار غیررسمی)
- قابل استفاده برای کاوش‌گری درباره‌ی هر مسئله و هر گونه ملاحظه‌ای که در نظر گرفته شده است.
- قابلیت کاربرد به صورت متداول و منظم است.
- معمولاً آن را می‌توان با تعدادی سؤال هدایت کرد.

روش استفاده از مصاحبه معلم؛

- مسئول آماده‌سازی سؤالات گفت‌وگو برای هدایت جریان کار است؛ به علاوه معلم باید براساس پاسخ‌هایی که به سؤالات داده می‌شود، بتواند جریان مصاحبه را پی‌گیری کند

- باید اطلاعاتی را سامان دهد که بتواند در مصاحبه به اخذ تصمیم‌ها، رسیدن به توافقات و تولید راه‌حل‌ها یاری کند.
- مسئول نحوه‌ی وارد کردن دانش‌آموزان به جریان گفت‌وگو و هدایت آنان به بهره‌برداری از جریان مصاحبه است.

ملاحظات مصاحبه

- می‌تواند زمان‌بر باشد، به‌ویژه زمانی که شرکت‌کنندگان تلاش می‌کنند به حقیقت مطلب دست یابند یا نشان دهند آن چه بیان می‌کنند، پذیرفتنی و عین واقعیت و حتماً از میان برداشتن مسئله است.

۶. روزنگار یادگیری تعریف

- روزنگار یادگیری، نگاشت مستمر و تصویری از یادگیری، تفکر، پرسش‌گری، دغدغه‌های دانش‌آموز است.

هدف

- از روزنگار یادگیری می‌توان در موارد زیر استفاده کرد:
- به تصویر کشیدن پیشرفت و رشد یادگیرنده

در طول زمان

- ایجاد فهرست‌هایی برای یادگیرندگان برای گردآوری و تفسیر اطلاعات، پرسش‌گر و ایجاد ارتباط.

ویژگی‌ها

- ابزار خوبی برای گسترش وضعیت دانش‌آموزی است که برای مدتی روی پروژه‌ای کار کرده است و در انجام دادن کار پروژه با دیگران هم‌یار بوده است.
- ارتباط خوبی برای گزارش وضعیت دانش‌آموزی است که برای مدتی روی پروژه‌ای کار کرده است و در انجام دادن کار پروژه با دیگران هم‌یار بوده است.
- می‌تواند اطلاعات مفید و زمینه‌ی بحث قابل‌عنایتی را درباره‌ی پیشرفت دانش‌آموز فراهم سازد.
- می‌تواند منبع ارزشمندی برای خواندن و نوشتن انفرادی یادگیرنده باشد.

روش استفاده از روزنگار یادگیری معلم؛

- رهنمودهایی را برای حفظ و نگه داشتن روزنگار یادگیری فراهم می‌آورد.
- بازخوردی منظم و پیوسته برای یادگیرندگان فراهم می‌آورد.

ملاحظات

روزنگار یادگیری

- امکان دارد برای برخی دانش‌آموزانی که دارای دشواری در بیان افکارشان به صورت نوشتاری هستند، چالش ایجاد کند.
- امکان و فرصت اندیشیدن درباره‌ی میزان و نحوه‌ی یادگیری برای دانش‌آموزان را فراهم می‌آورد.





همه چیز رنگ و بوی امام رضا (ع) و اهل‌بیت

موزه‌ها

حمید دهقان

آشنایی با موزه‌های استان خراسان رضوی

اشاره

استان خراسان رضوی از نظر دارابودن موزه‌های بسیار و متنوع یکی از استان‌های غنی و با اهمیت کشور است. این استان ۱۹ موزه و هشت نمایشگاه دائمی دارد که ۱۴ موزه در شهر مقدس مشهد، یک موزه در گناباد، دو موزه در نیشابور، یک موزه در درگز و یک موزه در قوچان قرار دارد. هم‌چنین از سوی سازمان میراث فرهنگی استان، برای توسعه‌ی موزه‌های شهرستان‌ها و ایجاد موزه‌های مشارکتی دفاع مقدس، پست و تمبر، مردم‌شناسی و مفاخر و مشاهیر گام‌های بسیاری برداشته شده است. افتتاح موزه‌ی مردم‌شناسی رباط ویرانی در ۱۰ کیلومتری جاده مشهد - ویرانی که محل عبور کاروان‌های زائران امام رضا (ع) بوده است و مجموعه‌ای از حرفه‌های سنتی استان خراسان رضوی مانند عطاری و فروش گیاهان دارویی، آهن‌گری، جاروبافی، حصیربافی، فرش‌بافی، رنگ‌ریزی، زین‌سازی، فیروزه‌تراشی، پوستین‌دوزی و حلاجی، مسگری و چاروق‌دوزی و برپایی موزه‌ی بزرگ خراسان از جمله این اقدامات به‌شمار می‌آید.

موزه‌ی آستان قدس رضوی (ع)

در مجموعه‌ی حرم مطهر امام رضا (ع) و در صحن امام خمینی (ره) چندین موزه‌ی آستان قدس رضوی در کنار هم قرار گرفته‌اند که عبارتند از:

موزه‌ی تاریخ مشهد

در موزه‌ی تاریخ مشهد حدود ۲۰۰ اثر تاریخی مانند درها، پنجره‌ها، محراب و ضریح قدیمی و سایر اشیای مربوط به ساختمان و بناهای حرم از قبیل وسایل روشنایی، انواع قفل، شمع و کفگیر به نمایش گذاشته شده است.

اطلاعات ارائه شده در مورد اشیای موجود در موزه برای بازدیدکنندگان بسیار جالب توجه است.

موزه‌ی قرآن و آثار نفیس

موزه‌ی قرآن و آثار نفیس در سال‌های ۶۲-

۱۳۶۰ در دو طبقه احداث شده است و از جمله آثار نگهداری شده در آن عبارتند از: تابلوهای خط و تذهیب، نقاشی، فرش، تراش روی شیشه‌های معرق و چوب و صدف، سوزن‌دوزی، قلم‌زنی، ظروف چینی و کریستال و نقره، کتاب‌ها و نسخه‌های خطی و ماکت‌ها، هم‌چنین در بخش قرآن نمونه‌هایی از دست‌خط مبارک ائمه‌ی اطهار و ۸۱ قرآن نفیس خطی و چاپی، ۱۴ مرقع و ۱۰ جلد لاک‌ی روغنی وجود دارد.

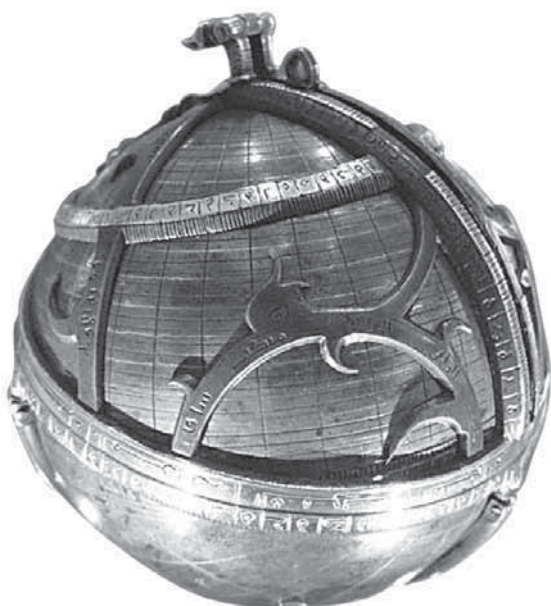
موزه‌ی نقاشی

در موزه‌ی نقاشی آثار هنرمندان نام‌آوری مانند **علی اشرف والی**، **کمال‌الملک**، **عباس کاتوزیان**، **محمود فرشچیان** و **محمد زمان** هم‌چنین تابلوهای یساده،

نوربرت اسپنیک، **کوزیمو پولاتو** و **ویلیام جیمز** به نمایش گذاشته شده است. این موزه در طبقه‌ی اول ساختمان مرکزی موزه‌ی آستان قدس قرار دارد.

موزه‌ی نجوم و ساعت

از ده ویرترین موزه‌ی نجوم و ساعت، هفت



* ۳۵ تخته قالی نفیس هنرمندان قالی‌باف در موزه‌ی فرش آستان قدس رضوی به نمایش گذاشته شده است

ویرترین به بخش نجوم و سه ویرترین به ساعت اختصاص یافته است.

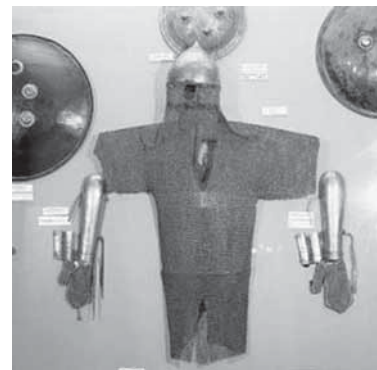
بیشتر اشیای موجود در این موزه از سوی دکتر سیدجمال‌الدین تهرانی وقف شده است.

موزه‌ی فرش

در موزه‌ی فرش آستان قدس رضوی ۳۵ تخته قالی، شامل قالی‌های نفیس در اندازه‌های بزرگ و قالی‌های پرده‌ای و قالیچه به نمایش گذاشته شده است.

موزه‌ی سلاح

موزه‌ی سلاح در چهار ویرترین، سلاح‌های سرد و گرم را ارائه می‌کند. در بخش سلاح‌های سرد، کمان، خنجر، گرز، شمشیر، تبرزین و نیزه و در بخش سلاح‌های گرم، انواع تفنگ‌های



تکلول، دولول و سرپر و همچنین تپانچه‌های سرپر، انواع باروت‌دان و تفنگ چهارلول از جمله اشیای این موزه به‌شمار می‌آیند.

موزه‌ی ظروف

در موزه‌ی ظروف، در طبقه‌ی دوم موزه‌ی مرکزی در حرم حضرت رضا(ع) بیش از ۱۸۰ اثر از دوره‌های تاریخی موجود است. از جمله‌ی این ظرف‌ها ظروف چینی آبی، سفید، ظروف چینی پنج رنگ و سفید با نقوش لاجوردی، ظروف بلور تراش‌دار قرمز، آبی و ظروف چینی سلادن است

که توجه هر بیننده‌ای را جلب می‌کند.

موزه‌ی صدف و حلزون

یکی از اهالی کشور سوریه

به نام محمد سعید فواد

وهبه مجموعه‌ای از

صدف‌ها و حلزون‌های

دریایی را به آستان قدس

رضوی هدیه کرده است که تعداد ۶۸۳ از آن آثار

در ۱۳ ویرترین موزه به نمایش گذاشته شده است.



موزه‌ی تمبر

موزه تمبر

آستان قدس

رضوی در سال

۱۳۶۹ گشایش

یافت. تعداد

۱۲۱۰ قطعه تمبر



از ابتدای تاریخ چاپ تمبر در ایران تا تازه‌ترین تمبرهای انتشار یافته در ۶۰ ویرترین این موزه به تماشا گذاشته شده است.

موزه‌ی توس

در موزه‌ی توس در مجموعه‌ی فرهنگی باغ - آرامگاه فردوسی آثار به دست آمده در کاوش‌های دشت توس و آثاری مانند وسایل سوارکاری و رزم، انواع ظروف سفالی و مفرغی و اشیای دیگری که در قرن‌های چهارم و پنجم هجری ساخته شده است و تابلوهای نقاشی استاد رخساز و فرش‌ها و قالیچه‌های نفیس به نمایش گذاشته شده است.

موزه‌ی نادری

در موزه‌ی نادری نسخه‌ی خطی کتاب «جهان‌گشای نادری»، دو شمشیر متعلق به نادر، وسایل سوارکاری دوره‌ی افشاری، نقاشی‌هایی از صحنه‌های رزم، توپ‌ها و تفنگ‌های ایرانی، انواع سکه، ظروف و اشیای اهدایی مردم از زمان صفویه تا دوره‌ی معاصر به نمایش گذاشته شده است. این موزه در سال ۱۳۴۲ به همت انجمن آثار ملی احداث شد.

موزه‌ی نیشابور

موزه‌ی نیشابور نشان‌دهنده‌ی روند تکامل فرهنگ و زندگی مردم در بخش‌های باستان‌شناسی، مردم‌شناسی و همچنین ویژگی‌های شهر قدیم نیشابور است. این موزه در کنار کاروان‌سرای شاه‌عباسی دایر شده و آثار و اشیایی مانند سکه‌های مربوط به پیش از اسلام و دوره‌ی تیموری، انواع ظروف سفالین و ظروف شیشه‌ای در آن نگهداری می‌شود.

موزه‌ی خیام

در شهرستان نیشابور علاوه بر موزه‌ی محلی و منطقه‌ای، موزه‌ی دیگری به نام موزه‌ی خیام نیشابوری وجود دارد که هم‌زمان با برگزاری کنگره‌ی جهانی بزرگداشت عمر خیام در اردیبهشت سال ۱۳۷۹ در کنار آرامگاه عمر خیام گشایش یافت.

این موزه از بخش‌های مربوط به نمایش آثار مربوط به علم ستاره‌شناسی مانند ابزار رصد و ستاره‌شناسی، اسطرلاب و قطب‌نما، همچنین ظروف مفرغی و فلزی در دوره‌ی خیام از قرن پنجم تا هفتم هجری قمری، بخش ظروف سفالین لعاب‌دار قرن سوم تا هفتم هجری قمری و نسخه‌های خطی علوم نجوم و تابلوهای حکیم عمر خیام تشکیل یافته است.

موزه‌ی تاریخ طبیعی خراسان

موزه‌ی بزرگ تاریخ طبیعی خراسان در میدان آزادی مشهد به همت دانشگاه فردوسی برپا شده است.

در بخش‌های جانورشناسی، گیاهشناسی، زمین‌شناسی، دیرین‌شناسی، مردم‌شناسی و اطلاع‌رسانی این موزه آثار ارزش‌مندی به نمایش گذاشته شده است.



برقراری

ارتباط با

کودک

دوره‌ی غیرحضوری

کد دوره: ۹۱۴۰۰۵۲۰

میزان ساعت: ۲۴

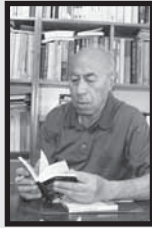
مقطع و زمینه: ابتدایی

برگزارکنندگان:

- مرکز برنامه‌ریزی و آموزش
- نیروی انسانی وزارت آموزش و پرورش
- دفتر انتشارات کمک آموزشی

پرونده‌ی ضمیمه‌ی
رشد آموزش ابتدایی
شماره‌های ۱ تا ۴
(مهر، آبان، آذر و دی ماه ۱۳۹۰)

علی البر شکاری نژاد



ویژگی‌های دوران کودکی
به تفکیک سن و پایه

پیدا و اشتراختن برای ارتباط با کودک

پیش از اشاره به ویژگی‌های دوران کودکی و نوجوانی، بهتر است به صورتی مختصر به حقایق مهمی درباره‌ی رشد و تکامل انسان اشاره بکنیم. روان‌شناسی رشد و تکامل، زیربنای همه‌ی شاخه‌های روان‌شناسی است و آن‌چه که در افراد، اعم از کودک، نوجوان، بزرگسال و سال‌مند مطالعه می‌کنیم، به‌طور عمده در روان‌شناسی رشد مطرح می‌شوند. به عبارت دیگر، روان‌شناسی رشد را می‌توان «مادر روان‌شناسی» نامید.^۱

حقایق مهم موردنظر در روان‌شناسی را می‌توان چنین خلاصه کرد:



۱. هر فرد، یک سیستم است و باید او را واحد کل و حتی بی‌نظیر در نظر گرفت، نه ترکیبی از اجزای مستقل مانند تن و روان یا عقل و بدن.

۲. دوران حیات هر فرد، یک سیستم یا شبکه‌ای خاص تلقی می‌شود که آن را فراخ‌نای زندگی یا گستره‌ی زندگی می‌نامند و تقسیم دقیق آن به مراحل گوناگون و مستقل از هم غیرممکن و نادرست است.

۳. گاهی برای آسانی مطالعه‌ی رفتار افراد ممکن است ناگزیر باشیم، دوران زندگی ایشان را به مرحله‌ای که به‌طور عمده شکل‌گیری دارند، تقسیم کنیم. در این صورت هم نباید فراموش کرد که:

الف) این مراحل آن‌چنان به یک‌دیگر پیوسته و وابسته‌اند که هر مرحله، مقدمه‌ی مرحله‌ی بعد و محصول مرحله‌ی قبل از خودش است. ب) هر مرحله‌ی رشد و تکاملی، اهمیت خاص خود را دارد. نمی‌توان گفت (و نباید گفت): دوران کودکی مهم‌تر از دوران بزرگسالی است، مگر به عنوان پایه. از سوی دیگر، در هر دوره، برخی از ویژگی‌ها برجستگی بیشتری پیدا می‌کنند.

پ) هر مرحله‌ی رشد و تکاملی شخص با خطرهایی همراه است.^۲ ۴. رشد و تکامل در دوران زندگی، نتیجه‌ی تعامل مداوم نضج (بالیدگی) و یادگیری با طبیعت و تجربه (تربیت) است.

۵. رشد و تکامل طبیعی و سالم در محیط سالم و مساعد، امکان‌پذیر است.

۶. در هر مرحله‌ی رشد و تکامل، انتظارهای خاصی مطرح می‌شوند:

الف) انتظارهای فرد از دیگران

ب) انتظارهای دیگران از فرد

۷. مبانی یا پایه‌های نخستین رشد و تکامل مهمند، زیرا گرایش‌ها، عادت‌ها، و الگوهای رفتاری تشکیل و تکوین یافته در نخستین سال‌های زندگی تا حد زیاد، تعیین می‌کنند که افراد در بزرگسالی چگونه با زندگی یا شرایط آن سازگاری خواهند کرد.

۸. رشد و تکامل انسان از الگوی معین و قابل پیش‌بینی پیروی می‌کند. هرگاه شرایط و عوامل محیطی مانع رشد و تکامل طبیعی نشوند، از یک الگوی همگانی پیروی خواهد کرد. در نتیجه، ما می‌توانیم پیش‌بینی کنیم که اشخاص، در سن معین، چه خواهند کرد و برای آموزش و پرورش ایشان چگونه باید برنامه‌ریزی کرد.

۹. رشد و تکامل، فرآیندی است تدریجی و مداوم.

۱۰. افراد با یک‌دیگر تفاوت دارند. یعنی هر فرد از لحاظ زیستی (ژنتیکی) با دیگران متفاوت است. حتی در دوقلوهای هم‌سان نیز تفاوت‌هایی دیده می‌شوند و هر قدر تشخیص بزرگ‌تر می‌شوند این تفاوت‌های فردی آشکارتر می‌شوند، و این تفاوت‌های فردی، در طول رشد و نمو، در میزان و درجه‌ی رشد و تکامل ثابت می‌مانند. علاوه بر آن‌ها، تفاوت‌های فردی، محیطی یا اجتماعی نیز در مردم پیدا می‌شوند و رشد می‌کنند؛ در عین حال که همانندی‌هایی نیز پیدا خواهند شد. بنابراین می‌توان گفت، هر کودک به صورت ذاتی بی‌همتا است و نمی‌توان (و نباید) او را با کودکان دیگر، حتی با پدر و مادر یا برادر و خواهرش مقایسه کرد.

خصایص رشد و تکامل در کودکان

بیشتر روان‌شناسان رشد معاصر، تقسیم یا طبقه‌بندی گستره‌ی زندگی را تأیید نمی‌کنند و ترجیح می‌دهند که رشد و تکامل را هم‌چون فرآیند زنجیره‌ای در سراسر زندگی مطالعه کنند. حتی موافقان تقسیم دوران رشد انسان به مراحل گوناگون، خود نیز آن را فرآیند تعاملی پایدار می‌خوانند، زیرا هر مرحله، محصول مرحله یا مرحله‌ای قبل و زمینه‌ی مراحل بعد رشد و نمو به‌شمار می‌رود. بنابراین، ناگزیریم در بحث از روان‌شناسی کودک و روان‌شناسی نوجوان به این واقعیت علمی توجه داشته باشیم. به عبارت دیگر، در بحث از ویژگی‌های دوران کودکی و نوجوانی باید هر ویژگی را صرفاً یک مؤلفه از یک سیستم تلقی کنیم نه بیشتر. از اشاره به آن‌ها نیز هدفی جز این نداریم که در هرگونه آموزش - پرورش با تدبیر و تلاش نظام‌دار برای تغییر رفتار وقتی موفق خواهیم شد که بخوبی دریابیم:

۱. مخاطب ما (کودک یا نوجوان) چیست؟ کیست؟

۲. مخاطب ما چگونه رشد می کند؟

۳. مخاطب ما چگونه یاد می گیرد؟

۴. مخاطب ما در رشد و یادگیری خود از چه عواملی متأثر می شود؟

۵. مخاطب ما از آموزش و پرورش (در مدرسه و خانواده) چه

انتظارهایی دارد؟ و ما از او چه انتظارهایی داریم؟

۶. زمینه را چگونه برای رشد و یادگیری او آماده گردانیم؟

۷. برای موفقیت در تغییر رفتار او از چه وسایلی و چگونه باید

استفاده کنیم؟

ویژگی های اجتماعی

* در این دوران رشد و تکامل، کودکان غالباً انتخابی هستند، یعنی

دوستان و هم بازی های خود را شخصاً انتخاب می کنند. دوستی های

ایشان بیش و کم پایدارند. احتمالاً «خصوصیت» نیمه ثابتی به اوج خود

برسد.

* کودکان در این سن، بازی های متشکل و سازمان یافته را در

گروه های کوچک ترجیح می دهند. لیکن ممکن است به مقررات و

قواعد خود ساخته خارج از گروه، علاقه مند و پای بند باشند. به نظر **پیائزه**

کودکان در این دوره رشد و نمو تحت فشار اخلاقی هستند، یعنی هنوز

نمی دانند یا مشکل است که بفهمند چه را و چگونه باید مقررات تحمیلی

را در موقعیت های خاص رعایت کنند.

* در دانش آموزان این دوره تحصیلی هنوز هم نزاع یا دعوا

میان کودکان فراوان دیده می شود. معمولاً پرخاش گری کلامی بیش

از پرخاش گری بدنی است. اما ممکن است که مخصوصاً پسران به

مشت زدن و تنه زدن متوسل شوند. دعوای اتفاقی مورد انتظارند، لیکن

در برخی از کودکان دعوای طولانی هم دیده می شوند.

ویژگی های هیجانی و عاطفی

دانش آموزان دوره ابتدایی نسبت به انتقاد و استهزاء حساسند و

ممکن است در سازش یا کنار آمدن با شکست و ناکامی مشکل پیدا

کنند. کودکان در این سن ها به تمجید و شناخته شدن (مشهور شدن)

نیاز فراوان دارند و مخصوصاً علاقه مندند که مورد تحسین معلمان خود

قرار گیرند. کودکان خردسال، ممکن است، از انتقاد ناراحت و حتی خرد

شوند. برای پیش گیری از این فرایند ناگوار، لازم است، تا حد امکان،

فرصت های تقویت مثبت را فراوان کرد و واکنش های خود را برای

رفتارهای بد غیر درسی (غیر تحصیلی) ذخیره کرد. فراموش نکنیم که

در این دوره رشد و نمو، کوشش در مقابل کهتری است (از دیدگاه

اریکسن) بنابراین، اگر طوری با کودکان برخورد کنیم که ایشان احساس

کهتری کنند، طبعاً از رشد و گسترش تلاش ایشان جلوگیری خواهیم

کرد.

* بیشتر کودکان کلاس های ابتدایی مشتاق اند که از معلمان خود

سپاسگزاری کنند و معمولاً از ایشان رضایت خاطر دارند. دوست دارند

به دیگران کمک کنند. از قبول مسئولیت لذت می برند، می خواهند

تکلیف های درسی (یا مدرسه ای) خود را بهتر انجام دهند.

* کودکان در این دوره رشد و تکامل نسبت به احساسات

دیگران حساس می شوند. گاهی همین حالت سبب می شود که دیگران

را از خود بیازارند و احساساتشان را جریحه دار کنند.

سه کلاس اول ابتدایی (۶-۹ سالگی)

ویژگی های بدنی

* دانش آموزان کلاس های ابتدایی هنوز بسیار فعالند. به همین

سبب است که وقتی ایشان را وادار می کنند که به فعالیت های نشسته

بپردازند ناگزیر، انرژی اضافی خود را به شکل عادت های عصبی از قبیل

جویدن مداد، جویدن ناخن، پیچاندن موی سر، و بی قراری کلی صرف

می کنند.

* کودکان در این کلاس ها باز هم به فرصت های استراحت نیاز

دارند زیرا، به سبب تلاش های ذهنی و بدنی فراوان به آسانی خسته

می شوند. از این رو، لازم است در برنامه ی کارشان فعالیت های آرامی را

از قبیل داستان گویی یا مشاعره پیش بینی کرد.

* دانش آموزان هنوز هم می توانند عضلات بزرگ بدن شان

را کنترل کنند و بیشتر شان، خصوصاً پسران، در کار کردن با مداد یا

خودکار مشکل دارند. بنابراین، باید در برنامه ی درسی ایشان تمرین

و تجربه نوشتن زیاد باشد که در غیر این صورت ممکن است، کودک

نسبت به فرایند نوشتن یا حتی مدرسه گرایش منفی پیدا کند.

* بیشتر دانش آموزان کلاس اول ابتدایی در تمرکز روی حروف

چاپی ریز، مشکل دارند و از ایشان نباید انتظار داشت که زیاد بخوانند،

و باید مراقب نشانه های خستگی چشم (مالیدن چشم یا چشمک زدن)

ایشان بود.

* کودکان در این مرحله از زندگی علاقه مندند حرکات و

فعالیت های بدنی زیادی داشته باشند. به طور تقریبی می توانند بدن خود

را خوب کنترل کنند. به مهارت های حرکتی خویش اعتماد فراوانی دارند.

در نتیجه، خطرهای احتمالی موجود در فعالیت ها را ناچیز می شمارند. از

این رو، در این دوره معمولاً حوادث و سوانح بیشتری اتفاق می افتند.

* رشد و نمو استخوانی هنوز کامل نیست؛ بنابراین، استخوان ها و

مفصل ها نمی توانند فشارهای سنگین را تحمل کنند.

ویژگی‌های شناختی

* به‌طور کلی، دانش‌آموزان ابتدایی شدیداً علاقه‌مند و مشتاق‌اند بیاموزند. آن‌چه که در آموزش دبستانی بسیار مهم است انگیزش دانش‌آموزان است. و مسئله اساسی و عمده‌ی هر معلم این است که آن انگیزش را چگونه به حداکثرش برساند.

* کودکان در این دوره، رشد و تکامل دوست دارند حرف بزنند و گفتن بیش از نوشتن برای ایشان آسان است. هم‌چنان علاقه‌مندند به هر پرسشی پاسخ دهند و به درست و نادرست بودن پاسخ‌هایشان توجه ندارند.

* ممکن است در تعبیر و تفسیر لفظی مقررات، دری‌وری‌هایی بگویند و این فرایند را باید کاملاً طبیعی تلقی کرد.

کلاس‌های چهارم و پنجم دبستان (۹-۱۱ سالگی)

ویژگی‌های بدنی (اندامی)

* در بیشتر دختران، رشد و نمو ظاهراً ناگهانی دیده می‌شود در صورتی که پسران رشد و نمو تقریباً به شکل طبیعی و نامحسوس ادامه دارد. به‌طور متوسط، دختران میان ۱۰ تا ۱۴ سالگی بلندتر و سنگین‌تر از پسران هستند. به این سبب، که دختران سریع‌تر از پسران نضج پیدا می‌کنند و معمولاً نمو سریع خود را حدود دو سال زودتر از پسران تجربه می‌کنند.

* کودکان همین که به دوران بلوغ نزدیک می‌شوند، کنجکاوی‌شان درباره‌ی جنسیت و امور جنسی، بویژه در دختران، افزایش می‌یابد. * هم‌آهنگی حرکتی ریز و کار کردن با عضلات کوچک اندام کاملاً خوب است. بنابراین، دست‌کاری در اشیای ریز برای بیشتر کودکان در این سنین، آسان و حتی لذت‌بخش است. کارهای هنری، مهارت‌های دستی، و پرداختن به موسیقی و علاقه به نواختن بعضی سازها میان کودکان این دوره، تقریباً عمومیت دارد.

ویژگی‌های اجتماعی

* رشد اجتماعی پسران و دختران در حال رشد و گسترش نسبتاً زیاد است. گروه هم‌سالان، نیرومند می‌شود و تقریباً جای بزرگ‌سالان را می‌گیرد و منبع عمده‌ی معیارهای رفتار و حتی معیار شناخت موفقیت و پیشرفت می‌شود.

* بین سال‌های ۶ و ۱۱-۱۲ رشد و تکامل استدلال‌های اجتماعی به درک و شناخت هرچه بیشتر احساسات دیگران می‌انجامد. و منظور از «استدلال اجتماعی» توانایی درک رابطه میان انگیزه‌ها و رفتار میان

گروهی از مردم است.

تشویق و تقویت فعالیت‌های اجتماعی

در مدرسه و آموزش‌های مشارکتی از جمله‌ی

بهترین عوامل تربیت اجتماعی کودکان به‌شمار

می‌روند. ما مربیان و معلمان نباید فراموش کنیم، با توجه به آن‌چه در

نظریه‌های رشد گفته شد، هرگونه آموزش هنگامی مؤثر خواهد شد که

با رشد و تکامل طبیعی کودکان و نوجوانان هماهنگ باشد.

ویژگی‌های هیجانی و عاطفی

* رشد هیجانی و عاطفی کودکان به سرعت ادامه دارد و نگرش ایشان به احساسات و عواطف خویشتن و دیگران جدی‌تر و تندتر می‌شود.

* وجود تعارض میان مقررات اخلاقی و انضباطی گروه کودکان با گروه بزرگ‌سالان، ممکن است، دشواری‌هایی را بار آورد که گاهی به بزهکاری کودک یا نوجوان بینجامد.

* در این دوره‌ی تحصیلی بی‌نظمی‌های رفتاری به حداکثر می‌رسند، اما بیشتر کودکان، راه‌های سازگاری خود را کشف می‌کنند، خصوصاً میان ۱۰ تا ۱۸ سالگی یاد می‌گیرند که چگونه با محیط کنار آیند.

ویژگی‌های شناختی

* دایره‌ی شناخت وسیع‌تر می‌شود و عمق پیدا می‌کند، اگرچه هنوز از تفکر انتزاعی یا درک مفهوم‌های انتزاعی ناتوان هستند.

* تفاوت‌هایی در شیوه و سبک شناخت آشکار می‌شوند.

* در توانایی‌های خاص و عمل کردهای تحصیلی نیز تفاوت‌های جنسی دیده می‌شوند.

* علاوه بر تفاوت‌های جنسی کلی و توانایی‌های یادگیری خاص، در شیوه‌های شناخت نیز تفاوت‌هایی را می‌بینیم. منظور از این شیوه و سبک، تمایل دانش‌آموزان به این است که در برخورد با فعالیت‌های ذهنی یا حل مسئله، به شیوه‌های مخصوص، پاسخ دهند. مثلاً کودکانی هستند که علاقه دارند زودتر پاسخ دهند حتی بدون این که در درستی پاسخ خود بیندیشند. و کودکانی هم هستند که دوست دارند پاسخ درست بدهند تا پاسخ سریع.

پی‌نوشت

۱. روان‌شناسی رشد از همین مؤلف چاپ نوزدهم، انتشارات مؤسسه‌ی اطلاعات، تهران.
۲. این خطرها را می‌توان در کتاب «روان‌شناسی رشد» از همین مؤلف مطالعه کرد.

قسمت سوم

ابراهیم اصلانی

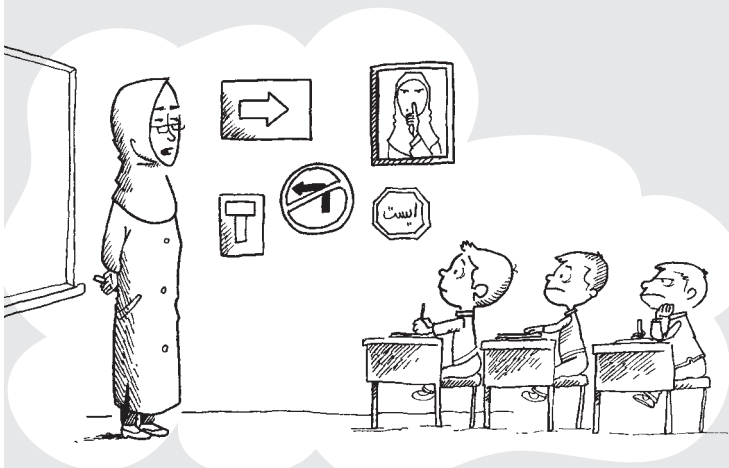
یاد من باشد که...

تصویرگر: سام سلماسی

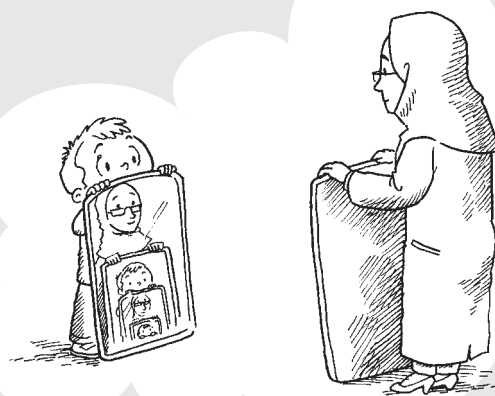
راهنمای برقراری ارتباط با کودکان

اگر مفهوم دو سوپیه بودن ارتباط را به درستی درک کنیم، آن گاه که به هر دو سوی ارتباط توجه خواهیم کرد. در یک سوی این موضوع دانش آموزان قرار دارند. به این ترتیب، لازم است درباره‌ی تأثیر و بازخورد پیام‌ها بر دانش آموزان حساس باشیم. واکنش دانش آموزان در فرایند ارتباط، فرصتی مناسب برای معلم فراهم می‌سازد تا:

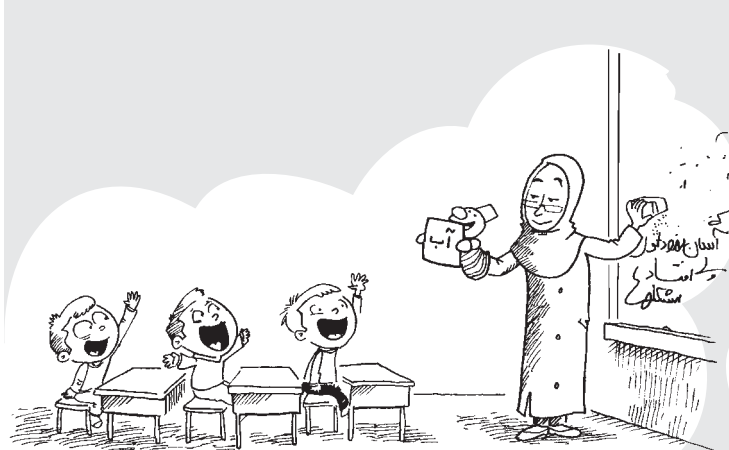
۱. خود را بشناسد. ۲. کیفیت پیام‌ها را بشناسد. ۳. دانش آموزان را بشناسد. ۴. پارازیت‌ها را بشناسد. ۵. برای تغییرات احتمالی اقدام کند. مطالب این قسمت به شما کمک خواهد کرد تا به تأثیر بازخوردها، بیشتر دقت کنید.



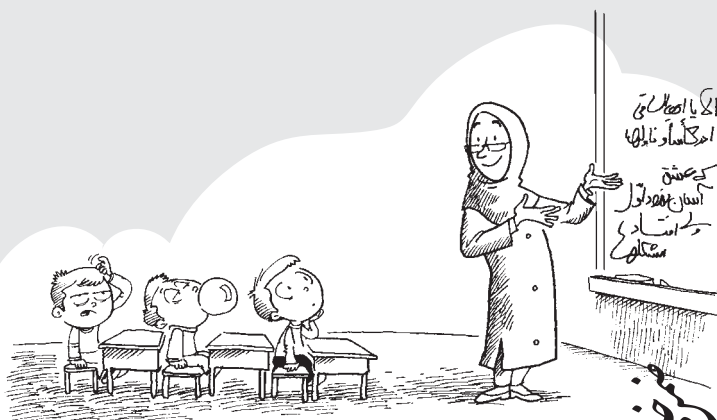
۲. ارتباط مؤثر، ارتباطی است که به نفع همگان باشد نه یک سوپیه.



۱. ارتباط آینده‌ای است برای دیدن همدیگر.



۴. بازخورد (فیدبک) یعنی امکانی برای مدیریت رفتارها و افکارم.



۳. تأثیرات پیام‌های ما می‌توانم از طریق واکنش (بازخورد) دانش آموزان

تشخیص دهم.

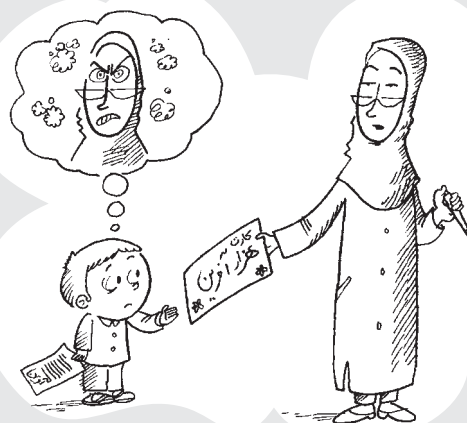
دوره‌ی ۱۵ شمادوی ۲
آذر ۹۰

آموزش ابتدایی

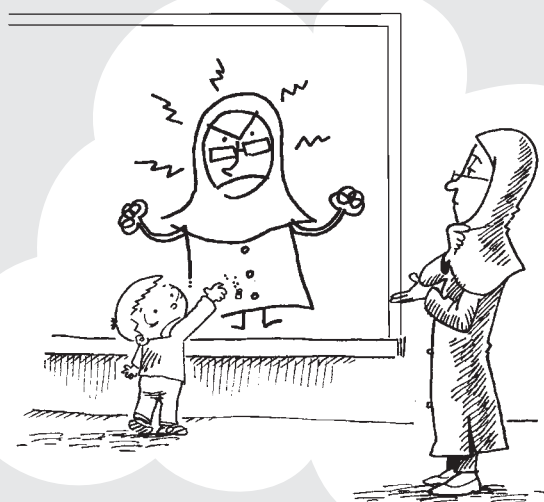
۴۴



۶. باید بیشتر مراقب تأثیرات ارتباط غیر کلامی باشیم.



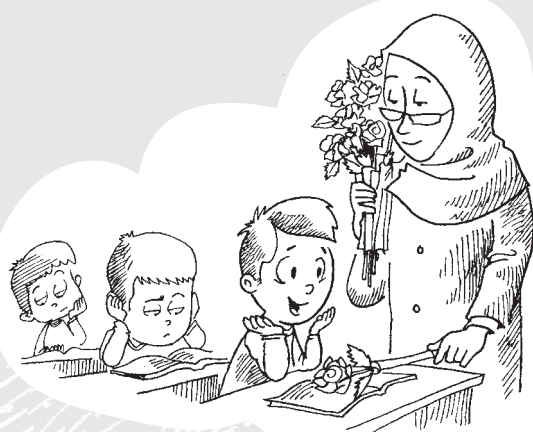
۵. زبان کلامی را می‌توان کنترل کرد، اما کنترل زبان بدن دشوار است.



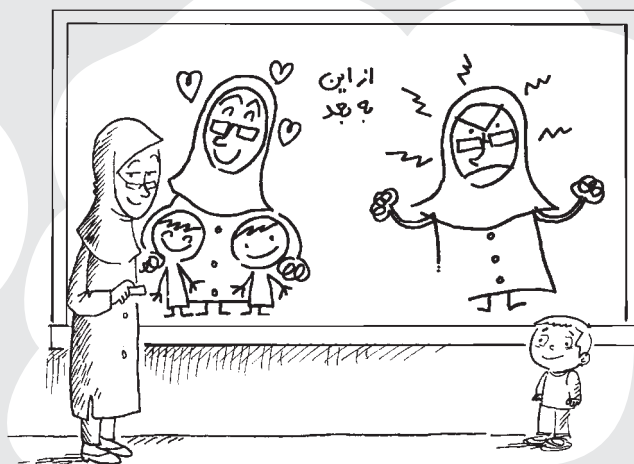
۸. اگر دانش‌آموزان به رفتار یا روحیه‌ی من ایراد گرفتند، آن را به عنوان نشانه‌ای برای واقعیتی احتمالی تلقی کنیم.



۷. اگر روزی سر حال و شاداب نباشیم، دست کم سعی می‌کنم این روحیه را به کلاس منتقل نکنم.



۱۰. در جریان ارتباط، همان‌گونه که از دانش‌آموزان بازخورد دریافت می‌کنم، به پیام‌های آنان نیز بازخورد مناسب بدهم.



۹. واکنش متقابل من به بازخوردها، با پذیرش، بردباری و مدارا همراه باشد و از بروز بازخوردهای واقعی ممانعت نکنم.



حالا همان اتفاق‌ها در کلاس خودش در حال روی دادن است. کلاس گرم است و بچه‌ها کسل. **سعید** از تکرار روخوانی درس خسته شده است، **محمدجواد** حتی نمی‌داند کجاست و فقط ادای دنبال کردن خطوط را درمی‌آورد. **رضا** و **مهدی** از زیر میز به هم لگد می‌زنند و **امید** به آلوچه‌های توی کیفش فکر می‌کند. هر دودقیقه یک‌بار هم، یک‌نفر می‌آید و می‌گوید: «اجازه! برم آب بخورم؟» و البته آب خوردنش کمی بیشتر از حد معمول به طول می‌انجامد. به ساعت نگاه می‌کند، هنوز ۱۰ دقیقه به پایان زنگ مانده و بدترین اتفاق در کلاسش در حال رخ دادن است. اگر فکری نکند به محض به صدا درآمدن زنگ، همین خسته‌های کسل با جیغ و هیاهو از کلاس بیرون می‌زنند و همه تصور خواهند کرد، گویا این کودکان در قفس بوده‌اند. راستی چرا بعضی وقت‌ها این‌طور می‌شود؟

چرا این چنین می‌شود؟

درصد بالایی از آموزگاران این وضعیت را در کلاسشان تجربه کرده‌اند، وقتی که یکی از عناصر ارتباط مؤثر با فراگیران دچار اختلال می‌شود. صاحب‌نظران معتقدند که ارتباط سه عنصر دارد: «فرستنده، پیام و گیرنده». به هرگونه اختلالی که موجب برهم‌خوردن روند این ارتباط می‌شود، پارازیت می‌گویند. پارازیت انواع گوناگونی دارد و ممکن است گریبان هر یک از عناصر اصلی ارتباط را بگیرد.

اگر فرستنده از نظر جسمی یا روانی شرایط مناسبی نداشته باشد، مانند داشتن لهجه، بیماری، اضطراب یا ناراحتی‌ها و مشکلات خانوادگی، یا از آمادگی لازم برای ارائه‌ی درس برخوردار نبوده و بدون طرح و برنامه‌ی قبلی وارد کلاس شود، نمی‌تواند پیام را به صورت مناسب منتقل کند. در خود فرو رفتگی نیز یکی از شایع‌ترین نقص‌های فرستنده محسوب می‌شود، مانند زمانی که معلم به‌جای توجه به چشمان کودکان، محو تماشای هیبت معلمی خود در شیشه‌ی کمد کلاس است! ناآشنایی آموزگار با سطح درک و فهم گروه مخاطب و همچنین داشتن زمینه‌ی ذهنی نادرست در مورد فراگیران نیز از عوامل برهم‌زننده‌ی ارتباط هستند.

نقص در عنصر پیام هم بر روند پیام‌رسانی تأثیر می‌گذارد. پیام می‌بایست متناسب با سطح معلومات و ویژگی‌های سنی گروه مخاطب ارائه شود. استفاده از شیوه‌های شفاهی یا استفاده از کلمات خیلی پیچیده و جملات طولانی برای هیچ گروه سنی چندان تأثیرگذار نیست. مطلب ارائه شده نباید زیاد آسان یا سخت باشد. باید پیام با رعایت مراحل یادگیری مطالب، از دانسته‌های قبلی به طرف دانستنی‌های جدید

اجازه! برم آب بخورم؟

مرضیه معین

آموزگار پایه‌ی اول دبستان پسرانه سما، نجف‌آباد

آن چه رخ می‌دهد...

مشغول تدریس است. از سکوت و آرامش کلاس لذت می‌برد. غرق در رویاهایش، درس را می‌گوید و جلو می‌رود. بین نیمکت‌ها قدم می‌زند تا ببیند انگشت‌های بچه‌ها زیر کلمات هست یا نه. در کلاس را باز گذاشته است تا مدیریتش را به رخ همکاران بکشد. بچه‌ها با کسالت به کلمات نگاه می‌کنند. بعضی از بچه‌ها از تکرار و تمرین خسته شده‌اند. چشمان کوچک و مشکی **حسین** خیس آب است و پشت سر هم خمیازه می‌کشد. **محمدامین** می‌گوید: «اجازه! برم آب بخورم؟» عصبانی می‌شود. چرا این کودک نمی‌فهمد که الان، وسط درس دادن من نباید اجازه بگیرد؟ اما بی‌حوصله به او اجازه می‌دهد که برود. از **عرفان** می‌خواهد درس را روخوانی کند و خودش خسته‌تر از حسین روی صندلی می‌نشیند. در حال روخوانی، فکرش به سال‌های دور و به کلاس‌های تاریخ و جغرافیا باز می‌گردد. سر کلاس آن‌قدر خمیازه می‌کشید که گونه‌هایش درد می‌گرفت، یا زمان‌هایی که حاشیه‌ی کتاب شیمی‌اش پر بود از نقاشی‌های بی‌هدف، یا به برنامه‌هایی که ساعت‌های درس عربی با دوستانش رد و بدل می‌کرد و محض رضای خدا یک‌بار هم نشد که نامه‌ها لو برود!

خودنمایی، ضعف درسی، ضعف بینایی و شنوایی، مشکل بیان و در کلاس به ناهمگن بودن دانش آموزان اشاره کرد. نامساعد بودن بعضی از شرایط فیزیکی نیز می تواند کل فرایند پیام را تحت الشعاع قرار دهد. عواملی مانند گرم و سرد بودن بیش از حد محیط، سر و صدا یا نور کم و زیاد و وجود محرک های قوی مانند حضور یک خرگوش در کلاس درس!

سوق داده شود. البته دقت لازم در این قسمت باید اعمال شود، چون تکیه ی بیش از اندازه در هر قسمت، موجب کم شدن دقت فراگیرندگان می شود. در صورتی که پیام دارای جملات طولانی و پیچیده باشد، ممکن است با سوءتعبیر از طرف گیرنده مواجه شود. از اختلالات موجود در گیرنده می توان به مشکلات روانی و شخصیتی از قبیل حواس پرتی، نگرانی و اضطراب، کمرویی و

کمبود کدام عنصر ارتباط در کلاس درس، باعث می شود که کودکان چنین مشتاقانه از کلاس بیرون بیایند؟



چه کنیم که این اتفاق‌ها نیفتد؟

برقراری ارتباط با دانش‌آموزان (به‌خصوص در دوره‌ی ابتدایی) با تقویت ارتباط و تمرکز فراگیرندگان همیشه نیاز به ابزارهای گران‌قیمت و وسایل نو و به روز ندارد. نیازی به خرج کردن هزینه‌های هنگفت برای کیفیت بخشی به روند آموزش نیست. هر آموزگار متبحری با استفاده از روش‌های خاص و ویژه‌ی خود می‌تواند بر انواع پارازیت‌ها غلبه کند.

✓ شرط اول برقراری ارتباط با فراگیرندگان این است که با ذهنی پاک درس را آغاز کنیم. شاید قبل از ورود به کلاس در ذهن خود شرایط را تصور کنیم. (چه بسیار اتفاق افتاده است که در موقع نبود یک آموزگار، یک نیروی جایگزین با تجربه‌ی کم توانسته است درس جدید را به شکل ماندگارتری ارائه بدهد؛) شاید با خود بگوییم **احمد** خیلی زود می‌فهمد، **امین** صبحانه نخورده و حوصله ندارد، **علی** زیاد در ریاضی فعال نیست، **رضا** باید بترسد تا گوش بدهد؛ این گونه خیال‌پردازی‌ها در ذهن باعث می‌شود که آموزگار نتواند به درستی درس را ارائه دهد.

توماس گوردون به بازدارنده‌های پلیدی اشاره می‌کند که بر فرآیند ارتباط تأثیر منفی می‌گذارد و اکثر آن‌ها در کلاس درس نیز صدق می‌کند. از جمله داشتن زمینه‌ی ذهنی نامناسب، برچسب زدن به فراگیرندگان، دستور دادن، تهدید کردن، ستایش همراه با ارزیابی (تو همیشه موفق می‌شوی)، پرسیدن سؤالات بسته و نامناسب و بحث منطقی را می‌توان عنوان کرد.

✓ در گام بعدی آموزگار باید بداند که برای آن ساعت از کار خود چه برنامه‌ای دارند. اصلاً صحیح نیست که یک آموزگار با تجربه بر این تفکر باشد که چون مثلاً مبحث جمع‌های با انتقال را نه سال است که تدریس می‌کند، نیازی به طرح درس جدید نیست. آموزگار باید بداند که همه چیز نسبت به سال قبل تغییر کرده است (دانش‌آموزان، شرایط روحی شخص خودش، محیط کلاس) و چون همه چیز تغییر کرده است پس روش تدریس نیز ناگزیر باید تغییر کند. پس برای تدریس ساده‌ترین موضوع در کلاس نیز نیاز به طرح درس است. این طرح درس لازم نیست که حتماً به صورت مدون و نوشته شده باشد. بلکه طرح درس می‌تواند به صورت یک برنامه‌ی ذهنی ساده مبتنی بر یک روش تدریس جدید باشد. که شرط آن به‌روز بودن اطلاعات آموزگار و آشنایی وی با انواع وسایل کمک آموزشی است. هرچه آموزگار ترفندهای بیشتری در امر تدریس بداند، می‌تواند با توجه به شرایط و امکانات از شیوه‌های متنوع‌تری کمک بگیرد.

✓ رفتار مناسب معلم نیز ارتباط را تقویت می‌کند. معلم باید مهربان، منعطف و صمیمی باشد و در کلاس جو اعتماد متقابل برقرار شود، اما این جو نباید به گونه‌ای حاکم شود که قاطعیت و مدیریت

کلاس از دست معلم بیرون برود.

✓ آموزگار توانا می‌داند که در کلاس درس می‌تواند با پایین آوردن ناگهانی صدا یا بالا بردن آن، (به گونه‌ای که حالت داد کشیدن نباشد) یا تغییر صدا و صحبت کردن با زبان اجزا و عناصر درس، بدون صرف هیچ هزینه‌ای حالت تعاملی به کلاس درس ببخشد. همچنین توقف ناگهانی روند تدریس، افزایش سرعت در خواندن، استفاده از شوخی‌های کوچک کلامی، مثال زدن‌های دوستانه و غیرمغرزانة فراگیرندگان را به شرکت در فعالیت‌های کلاس مشتاق کند. همچنین می‌تواند با استفاده از کلمات آهنگین، شعرهای خود ساخته و حرکات جذاب بدنی مثل بالا و پایین بردن ناگهانی دست، سر و... توجه فراگیرندگان را به خود جلب کند. تبدیل محتوای درسی به شعر یا داستان‌های گوناگون، جان بخشیدن به عناصر درسی غیر جان‌دار مثل جان بخشیدن به خط کسری یا علامت مساوی، بازی با کلمات و وارونه خوانی و سؤال پراکنی و ایجاد سؤال در ذهن فراگیران؛ مغز فراگیرنده را امر آموزش درگیر کند.

✓ استفاده از انواع وسایل کمک آموزشی یا کمک درسی (کیت‌های درسی یا ابزار ساخته شده از ساده‌ترین ابزار مانند نی، پارچه و...) نیز فرآیند یادگیری و یاددهی را تسهیل و پارازیت‌های موجود در کلاس درس را کم می‌کند.

✓ همچنین برای کنترل هرچه بهتر و مدیریت هرچه بیشتر افکار در کلاس درس، چیدمان و نحوه‌ی آرایش کلاس نیز اهمیت زیادی دارد. چنان که در دبستان باید کلاس‌ها به گونه‌ای طراحی شوند که امکان تبدیل فضا برای استفاده‌ی گروهی یا فردی فراهم باشد. تا هنگامی که آموزگار ملزم به توضیح است، صندلی‌ها به صورتی در بیایند که همه به یک اندازه به آموزگار دسترسی داشته باشند.

✓ استفاده از گونه‌های متنوع ابزار در ارزش‌یابی توصیفی (حتی در کلاس‌ها با رویکرد کیفی) نیز در جان بخشیدن به ارتباطات در کلاس درس مفید و مؤثر به نظر می‌رسد. استفاده از انواع تکالیف بسطی، خلاقیتی و نمونه‌ی کار یا استفاده از آزمون‌های عملکردی گروهی و فردی و نیز استفاده از شیوه‌های خودسنجی و هم‌سال‌سنجی به پویایی کلاس کمک وافری می‌کند.

✓ استفاده از یادگیری مشارکتی نیز کلاس را از روند ناهم‌گنی نجات می‌بخشد و با تزریق اعتماد به نفس و پرورش حس مسؤولیت‌پذیری و همکاری، یک کلاس ساکت و بی‌انگیزه را به یک کلاس با سر و صدای ثابت، بانگیزه و پویا تبدیل می‌کند.

منابع

1. <http://socialgorup.blogfa.com>
2. <http://enkeshaif.persianblog.ir>
3. www.gafa1384.blogfa.com
4. www.daneshgar-reza.blogfa.com